

حافظ محب الله مانی پتی و مولوی حافظ محمد علی الغفار صاحب ای نظر ثانی
 بنحیث مجمع علوم و فنون گرامی جناب لوی حافظ سید عبد الله صاحب الکرامی جناب
 افاضت مآب سر آید فضیلائی شجر بن مقبول بان رگا و صد مولانا مفتی محمد عثمانی صاحب
 صاحب تکلیف و آاز بسکه در عبارت ششم خاص دیگر نسخ مطبوعه تفاوت بسیار در میان
 آمدند و نیز ثبت بعضی حواشی بلا ضرورت و ترک بعضی با وجود ضرورت در نسخ منطبعة مشاهده
 افتاد و اگر بتدیل و تغییر و تقلیل و تکیث و اثبات محو و حواشی مطبوعه سابقه راه یافت نموده کلمات
 کفر و صیغه ثانی جناب صنی صاحب بر فوائد عده مشتعل است در آن صحنه پیغمبر که در شفا محمد سبحان که
 این رساله شریفه و تحفه لطیفه محلی به صحت کلامه و حواشی شامله جلوه فرمای الطبع گشت قطعه

<p>درین رساله نظر کن بحیث معنی بین سفینه نیست غلط میکنم که دریا نیست برای بستیدان مرشد نیست ادهما چنان بچلیه صحت تمامتر آراست معالیش نمیکند لباب فقه کلام ز بسکه میزد از لفظ او خلاوت جوش چنان مضارت و رنگینش نمایان است</p>	<p>سفینه است که پراز سائلین است که دست عقل نه اصداف و گهر چین است برده منتیان همه خوش آیین است که همچو شاه در عتاج حسن ترین است عبارتش همه صاف لطیف شیرین است زبان خامه تخریرش که آگین است که صفها به نظر همچو باغ رنگین است</p>
--	--

مختصر احوال حضرت مصنف کتاب رحمه الله

جناب منطاب حضرت لانا قاضی محمد ثناء الله صاحب اولاد حضرت شیخ جلال الدین

کبیر الاولیایانی تہی قدس سرہ اندر زبہ علمای پرستگار و عہد انقیای روزگار بودند
 بمحض ہفت سالگی خط قرآن شریف منوہ تازان شائزہ سالگی از تحصیل علوم فراغ
 یافتند و در ایام تحصیل صد و پنجاہ کتاب می کتب تحصیل بطالعہ خود آوردند و مشیت
 بخیریت حضرت شاہ محمد عابد صاحب شامی قدس سرہ نمودند بعد اوقات حضرت
 مدوح بخیریت جناب مرزا مظہر جانجانیان شہید قدس سرہ انجید کتب کلاک کتب
 بر زبان حضرت ایشان بقلب علم الہدی سر فراز گشتند حضرت جنابہ عجل العزیز
 قدس سرہ بقلب سہمی وقت یاد میفرمودند مدت العمر در افاضہ فیض ظاہر و باطن اشاعت
 علوم و فضل خصوصاً اتقای سوالات و حل مضامین مصروف می بودند و در علم تفسیر و فقه
 و کلام و تصوف و بطولی میباشند چندین کتب سائل درین علوم تصنیف فرمودہ و کتاب
 بسیار و جواب سوالہ مشککہ تحریر نمودہ اند تفسیر منظمی کتاب بیت ابن ضخیم در ہفت مجلد کلان و
 السیف المسلول و ارشاد الطالبین و رسالہ مال الایمنہ و تذکرۃ الموتی و القبور و تذکرۃ المعاد و
 حقوق الاسلام کہ بحقیقہ الاسلام شہرت یافته و رسالہ در حرمت اباحت سر و و رسالہ
 و حرمت متغیر رسالہ شہاب ثاقب و دیگر کتب از سی عدد و متجاوز خواهد بود از تصانیف
 حضرت ایشان است وفات حضرت قاضی صاحب غرہ ماہ رجب سال یکہزار و صد
 و بہشت و پنج ہجرت چنانچہ جناب لوی محراب صاحب صوف و زیارخ حلت شریف

فقہ مکرّمون فی جنّات النعیم یافتہ اند

مِکَالِیَّةٌ مِیْنَهُ

۴	در بیان حال کتاب و مصنف رحمه الله	۴۲	نماز کسوت	۴۳	طلب باران
۶	الایمان	۴۴	نماز غسل	۴۵	فضل در سجده تلاوت
۱۵	فضل در اتمام نماز	۴۹	الجنائز	۸۵	فضل در ماتم
۱۶	الطهارة	۸۴	در شبیه	۸۵	فضل در ماتم
۱۷	فضل در وضو	۸۷	فضل در زیارت قبور	۸۷	فضل در زیارت قبور
۲۱	فضل در غسل	۸۸	الزکوة	۸۸	الزکوة
۲۳	فضل در نجاسات	۹۴	مصرف زکوة	۹۵	در صدقه نظر
۲۴	فضل آب و نظیر چاه	۹۷	فضل در صدقه نظر	۹۷	فضل در صدقه نظر
۲۸	الصلوة	۹۸	الصلوة	۹۸	الصلوة
۲۸	فضل در وضو نماز	۱۰۷	فضل در اوقات نماز	۱۰۷	فضل در اوقات نماز
۳۴	فضل در اذان و اقامت	۱۰۸	فضل در شرب و طهارة	۱۰۸	فضل در شرب و طهارة
۳۶	فضل در ارکان نماز	۱۱۲	فضل در واجبات نماز	۱۱۲	فضل در واجبات نماز
۴۰	فضل در سجده سهو و ادراک جماعت	۱۱۳	فضل در طریق خواندن نماز و سجده	۱۱۳	فضل در طریق خواندن نماز و سجده
۴۷	فضل در حدیث و سنن	۱۱۳	فضل در ادراک فریضه	۱۱۳	فضل در ادراک فریضه
۵۱	فضل در وقت نماز	۱۱۹	فضل در مضامین و کلمات نماز	۱۱۹	فضل در مضامین و کلمات نماز
۵۴	فضل در نماز مرخص	۱۳۲	فضل در نماز مسافر	۱۳۲	فضل در نماز مسافر
۶۰	فضل در نماز جمعه	۱۳۳	فضل در نماز ایمن و چپ و ترویج	۱۳۳	فضل در نماز ایمن و چپ و ترویج
۶۴	فضل در نماز شب و نوافل غیره	۱۴۵	بسیان	۱۴۵	بسیان
۷۰	بسیان	۱۵۸	بسیان	۱۵۸	بسیان
			باب کلمات اگثر	۱۵۳	باب کلمات اگثر
			استغفار در باره احکام عقیقه	۱۶۱	وصیت نامه

۱۰
۲۰
۳۰

مراکز کانون را در سینه‌های خود و دیکشنری مجله بر سر پا بدارد و در آن کتابخانه هر روز از کتابخانه

کتابخانه را به صاحب این محل تحویل میدهد

۴۰

[illegible]

افندگی را در حق خود
خشن و قاتل در حق
کام و دست پس اگر
میباشد و چنین نام
که در در حق بنام
است و در حق بنام
در و در حق بنام
قدر

مردگان از قبور و باز پیدا شدن عالم بعد از عدم تیغ نماند حق است و
حساب روز قیامت و وزن کردن اعمال و میزان و شهادت اعضا
و گذشتن از صراط که بر پشت دوزخ باشد نیز تر از شمیر بار یکتر از
حق است بعضی مثل برق و بعضی مثل باد و بعضی مثل سپ جو
و بعضی آهسته بگذرند و بعضی در دوزخ افتند و شفاعت آنها بسیار
و اولیا و صالحان حق است و عرض گوشت حق است کباب و سفید تر از شیر
و شیرین تر از عسل و بر کوزه ها باشند مثل ستارگان هر که از آن بشوید
باز تشنه نشود و حق تعالی اگر خواهد گناه کبیره را بی توبه بخشد و اگر خواهد
بر صغیره عذاب کند و هر که با خلأ ص توبه کند گناه او البسته
و موافق و عهده آبی خنجر شده شود و کفار همیشه در دوزخ معذب
باشند و مسلمانان گناه کار اگر در دوزخ در آیند آخر کار خواهد
یابد بر البسته از دوزخ بر آیند و داخل بهشت شوند و باز در بهشت
همیشه باشند و مسلمانان بارتکاب کبیره کافر نشود و نه از ایمان

[illegible][illegible]

قال انه قد اذن ان يكون
الذين آمنوا من قبله
والذين آمنوا بعده
في جنات تجري من تحتها
انهارات وهم فيها
خالدين لا يخرجون منها
اولئك هم الذين آمنوا
من قبل الله والذين آمنوا
بعيسى عليه السلام
وقال انه قد اذن ان يكون
الذين آمنوا من قبله
والذين آمنوا بعده
في جنات تجري من تحتها
انهارات وهم فيها
خالدين لا يخرجون منها
اولئك هم الذين آمنوا
من قبل الله والذين آمنوا
بعيسى عليه السلام

پس حضرت خاندان پاک را در میان
چتر کزبان نهاده که ایشان
شوق وصال و فراق را فریاد می نمود
ایستادگان در جنت داخل
علاوه از خود هم فرموده نگاه
نمودست که دست سخنرانی را در
دست می نمودند و عیب
دفع از در خان
علاوه از خود هم فرموده نگاه
نمودست که دست سخنرانی را در
دست می نمودند و عیب
دفع از در خان

نموده مارا از انظار زیاده از بر

14

قال الله تعالى والذين آمنوا وهاجروا ما ملكت ايمانهم من قبلهم وما اتوا بالمؤمنين من قبيلهم ولا اتوا بالمؤمنين من قبيلهم ولا اتوا بالمؤمنين من قبيلهم

در بیان قرآن اند هر که منکر صحابه باشد او را ایمان بقدر آن غیر ایمانیا
 متواترات ممکن نیست باجماع صحابه و خصوصاً بتست که ابو جبر
 افضل الصحابه است پستتر عمر و همه اصحاب ابو بکر افضل است با و
 بیعت کردند و با شاره ابی بکر بر خلافت عمر بعد ابی بکر بنابر فضل و
 اجماع آوردند و بعد عمر سه روز صحابه با هم مشورت کرده عثمان افضل
 دانسته بر خلافت و اجماع کردند و با وی بیعت نمودند و بعد عثمان
 همه صحابه مهاجرین انصار که در مدینه بودند به علی مرتضی بیعت
 کردند و یک سه یک با علی مرتضی منازعت کرده مخطی است لیکن سبب من
 با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را بر محل نیک فرو باید آورد
 و با هر یک محبت و عقیدت باید داشت و نسبت عقاید اهل حق
 فصل در استقامت نماز بعد از تصحیح عقاید عمده ترین در عبادات
 نماز است در صحیح مسلم از جابر مرویست که فرمود علیه السلام که
 بیعت انصار با شریک اصل آنکه ترک نماز است و امتنع بکلمه میگوید
 و شکله در میان بنده و در میان کافر ترک صلوات یعنی ترک

در بیان قرآن اند هر که منکر صحابه باشد او را ایمان بقدر آن غیر ایمانیا
 متواترات ممکن نیست باجماع صحابه و خصوصاً بتست که ابو جبر
 افضل الصحابه است پستتر عمر و همه اصحاب ابو بکر افضل است با و
 بیعت کردند و با شاره ابی بکر بر خلافت عمر بعد ابی بکر بنابر فضل و
 اجماع آوردند و بعد عمر سه روز صحابه با هم مشورت کرده عثمان افضل
 دانسته بر خلافت و اجماع کردند و با وی بیعت نمودند و بعد عثمان
 همه صحابه مهاجرین انصار که در مدینه بودند به علی مرتضی بیعت
 کردند و یک سه یک با علی مرتضی منازعت کرده مخطی است لیکن سبب من
 با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را بر محل نیک فرو باید آورد
 و با هر یک محبت و عقیدت باید داشت و نسبت عقاید اهل حق
 فصل در استقامت نماز بعد از تصحیح عقاید عمده ترین در عبادات
 نماز است در صحیح مسلم از جابر مرویست که فرمود علیه السلام که
 بیعت انصار با شریک اصل آنکه ترک نماز است و امتنع بکلمه میگوید
 و شکله در میان بنده و در میان کافر ترک صلوات یعنی ترک

در بیان قرآن اند هر که منکر صحابه باشد او را ایمان بقدر آن غیر ایمانیا
 متواترات ممکن نیست باجماع صحابه و خصوصاً بتست که ابو جبر
 افضل الصحابه است پستتر عمر و همه اصحاب ابو بکر افضل است با و
 بیعت کردند و با شاره ابی بکر بر خلافت عمر بعد ابی بکر بنابر فضل و
 اجماع آوردند و بعد عمر سه روز صحابه با هم مشورت کرده عثمان افضل
 دانسته بر خلافت و اجماع کردند و با وی بیعت نمودند و بعد عثمان
 همه صحابه مهاجرین انصار که در مدینه بودند به علی مرتضی بیعت
 کردند و یک سه یک با علی مرتضی منازعت کرده مخطی است لیکن سبب من
 با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را بر محل نیک فرو باید آورد
 و با هر یک محبت و عقیدت باید داشت و نسبت عقاید اهل حق
 فصل در استقامت نماز بعد از تصحیح عقاید عمده ترین در عبادات
 نماز است در صحیح مسلم از جابر مرویست که فرمود علیه السلام که
 بیعت انصار با شریک اصل آنکه ترک نماز است و امتنع بکلمه میگوید
 و شکله در میان بنده و در میان کافر ترک صلوات یعنی ترک

این من است و میان بنده و در میان کافر ترک صلوات یعنی ترک
 بیعت انصار با شریک اصل آنکه ترک نماز است و امتنع بکلمه میگوید
 و شکله در میان بنده و در میان کافر ترک صلوات یعنی ترک

صلوة بکفر میرساند و آحمد و ترندی نسائی از بریده از آن حضرت
روایت کرده اند که عہد در میان ما و میان مردم نماز است ہر کہ
ترک کند از کافر شود و ابن ماجہ از ابی الدرداء روایت کرده
کہ وصیت کرد بن خلیل من صلی اللہ علیہ وسلم کہ شرک
بخدا نکنی اگر چہ تہ شوی و سوخته شوی و نا فرمانی والدین کن
اگر چہ امر کنند کہ از زن و فرزند و مال خود بدر شود و نماز فرض را
عما ترک کن ہر کہ نماز فرض را عما ترک کند ذمہ خدا از وی برست
و آحمد و دارمی و بیہقی از عمر بن عاص از ان سرور علیہ السلام روایت
کرده اند کہ ہر کہ بر نماز فرض محافظت کند او را نور و حجت و نجات
باشد روز قیامت و ہر کہ محافظت نکند او را نور باشد و نہ بران
و نہ نجات باشد او با فرعون و ہامان و قارون و ابی بن خلف و
ترندی از عبد اللہ بن شقیق روایت کرده کہ صحاب رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وسلم بیچ چیزانند استند کہ ترک آن موجب کفر باشد

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

وضو و غسل از آن با جلع جائز نباشد و شستن پا را چه نجس و مانند آن از آن نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد مسئله شنی غلیظ خشک اگر از پا رچه تراشیده شود پا رچه پاک گردد و شستن و مانند آن از مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار و خشت مفروش و درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود مسئله نجاست که نمودار باشد به شستن مقداری که عین او زایل شود و نزد امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار با پیشست و هر بار اگر ممکن باشد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که تقاطع نماند و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار با پیشست و هر بار باید افشرد و سرگین اگر سوخته خاکستر شود و نزد امام محمد پاک شود و نزد امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نکمار

در شستن پا اگر در آن نجاست باشد و شستن پا را چه نجس و مانند آن از آن نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد مسئله شنی غلیظ خشک اگر از پا رچه تراشیده شود پا رچه پاک گردد و شستن و مانند آن از مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار و خشت مفروش و درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود مسئله نجاست که نمودار باشد به شستن مقداری که عین او زایل شود و نزد امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار با پیشست و هر بار اگر ممکن باشد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که تقاطع نماند و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار با پیشست و هر بار باید افشرد و سرگین اگر سوخته خاکستر شود و نزد امام محمد پاک شود و نزد امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نکمار

در شستن پا اگر در آن نجاست باشد و شستن پا را چه نجس و مانند آن از آن نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد مسئله شنی غلیظ خشک اگر از پا رچه تراشیده شود پا رچه پاک گردد و شستن و مانند آن از مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار و خشت مفروش و درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود مسئله نجاست که نمودار باشد به شستن مقداری که عین او زایل شود و نزد امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار با پیشست و هر بار اگر ممکن باشد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که تقاطع نماند و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار با پیشست و هر بار باید افشرد و سرگین اگر سوخته خاکستر شود و نزد امام محمد پاک شود و نزد امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نکمار

مارنگ با حنہ ناگچ مارنگ سرخ اسامہ مام مرث طک

[illegible]

[illegible]

برپایه شود نماز فاسد گردد و موهنهای نرسن که فروپشته باشند
عضویت علیحدگی اگر چهارم حصه آن برپایه شود نماز فاسد گردد
مسئله در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این هم گفته
که برین تقدیر اگر زن بقبرات بجهر خواند نمازش فاسد شود
مسئله هر که آیا چه برای ستر عورت نباشد نماز او برپایه جااست
مسئله اگر جانب قبله معلوم نشود تحریکی کرده موافق تحری
نماز گزارد و بدون تحری نمازش جائز نیست مسئله هر که
بسبب خوف دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو قبله ننهد
آورد و هر سو که ممکن باشد نماز گزارد مسئله نماز نفل در چهار جا
هر سو که چهار پایه رود جائز است مسئله نیت شرط نماز است مطلق
نیت برای نفل و سنت و تراویح جائز است و برای فرض و تر
تعیین نیت متصل تحریم و دشمن آنکه نماز ظهر پنجوازم یا عصر
است نیت اقتدار بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط نیست

[illegible][illegible]

و همچنین اگر رکوع کرد و در اولی و سجده نکرد و رکوع کرد و ثانی و سجده
 نکرد و سجده کرد و در ثالث و رکوع نه کرد این همه یک است تشهد و قنوت
 اولی و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قنوت و آخره
 فرض است نزد احمد نه نزد خیر او مگر آنکه نزد امام عظیم واجب است در و
 خواندن و قنوت و آخره بعد تشهد فرض است نزد شافعی واجب و
 سلام گفتن هم فرض است رکن است نزد امام و ثلثه نه نزد امام عظیم که
 نزد او واجب است تکبیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان رقی الکریم
 یکبار گفتن و در سجود سبحان رقی الکریم یکبار گفتن و وقت
 قومه سبّح الله لمن حمد گفتن و بین السجدين رقی اعظمی
 گفتن نزد احمد فرض است نه نزد خیر او لیکن اگر سهوا ترک
 کند نزد احمد نماز باطل نشود و قرارت بر مقتدی فرض است نزد
 شافعی نزد غیر او فرض نیست بلکه نزد امام عظیم مقتدی قرارت است
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز نزد امام عظیم

و همچنین اگر رکوع کرد و در اولی و سجده نکرد و رکوع کرد و ثانی و سجده
 نکرد و سجده کرد و در ثالث و رکوع نه کرد این همه یک است تشهد و قنوت
 اولی و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قنوت و آخره
 فرض است نزد احمد نه نزد خیر او مگر آنکه نزد امام عظیم واجب است در و
 خواندن و قنوت و آخره بعد تشهد فرض است نزد شافعی واجب و
 سلام گفتن هم فرض است رکن است نزد امام و ثلثه نه نزد امام عظیم که
 نزد او واجب است تکبیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان رقی الکریم
 یکبار گفتن و در سجود سبحان رقی الکریم یکبار گفتن و وقت
 قومه سبّح الله لمن حمد گفتن و بین السجدين رقی اعظمی
 گفتن نزد احمد فرض است نه نزد خیر او لیکن اگر سهوا ترک
 کند نزد احمد نماز باطل نشود و قرارت بر مقتدی فرض است نزد
 شافعی نزد غیر او فرض نیست بلکه نزد امام عظیم مقتدی قرارت است
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز نزد امام عظیم

و همچنین اگر رکوع کرد و در اولی و سجده نکرد و رکوع کرد و ثانی و سجده
 نکرد و سجده کرد و در ثالث و رکوع نه کرد این همه یک است تشهد و قنوت
 اولی و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قنوت و آخره
 فرض است نزد احمد نه نزد خیر او مگر آنکه نزد امام عظیم واجب است در و
 خواندن و قنوت و آخره بعد تشهد فرض است نزد شافعی واجب و
 سلام گفتن هم فرض است رکن است نزد امام و ثلثه نه نزد امام عظیم که
 نزد او واجب است تکبیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان رقی الکریم
 یکبار گفتن و در سجود سبحان رقی الکریم یکبار گفتن و وقت
 قومه سبّح الله لمن حمد گفتن و بین السجدين رقی اعظمی
 گفتن نزد احمد فرض است نه نزد خیر او لیکن اگر سهوا ترک
 کند نزد احمد نماز باطل نشود و قرارت بر مقتدی فرض است نزد
 شافعی نزد غیر او فرض نیست بلکه نزد امام عظیم مقتدی قرارت است
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز نزد امام عظیم

مسئله جماعت زنان تنها نزدایی حلیفه مکره است نزد دیگر ائمه جائز است
 مسئله اولی برای امامت قاضی تراست که از احکام نماز وقف
 باشد بپیر عالم تکه قرآن مایچوز البصلوة خواند و نزد اکثر عالم کس
 آن و امامت قاضی جائز نیست باکر است و اقتضای مردقاری
 بالغ بکوک و زن و اُمّی و اقتضای مفترض متبطل جائز نیست
 و اگر اُمّی قاری و اُمّی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پیر محدث جائز نیست و از افساد و امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوقفی خلف متیم جائز است و
 نماز رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست
 مسئله اگر یک مقتدی باشد برابر امام بیروت است راست باشد
 و دو مقتدی و زیاده خلف امام با میستند و تنها خلف صفت اگر کسی نماز
 کند از نمازش مکره باشد و نزد واحد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از
 امام مقدم شود نمازش باطل شود و این مایچ از اناس روایت کرده که

مسئله جماعت زنان تنها نزدایی حلیفه مکره است نزد دیگر ائمه جائز است
 مسئله اولی برای امامت قاضی تراست که از احکام نماز وقف
 باشد بپیر عالم تکه قرآن مایچوز البصلوة خواند و نزد اکثر عالم کس
 آن و امامت قاضی جائز نیست باکر است و اقتضای مردقاری
 بالغ بکوک و زن و اُمّی و اقتضای مفترض متبطل جائز نیست
 و اگر اُمّی قاری و اُمّی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پیر محدث جائز نیست و از افساد و امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوقفی خلف متیم جائز است و
 نماز رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست
 مسئله اگر یک مقتدی باشد برابر امام بیروت است راست باشد
 و دو مقتدی و زیاده خلف امام با میستند و تنها خلف صفت اگر کسی نماز
 کند از نمازش مکره باشد و نزد واحد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از
 امام مقدم شود نمازش باطل شود و این مایچ از اناس روایت کرده که

مسئله جماعت زنان تنها نزدایی حلیفه مکره است نزد دیگر ائمه جائز است
 مسئله اولی برای امامت قاضی تراست که از احکام نماز وقف
 باشد بپیر عالم تکه قرآن مایچوز البصلوة خواند و نزد اکثر عالم کس
 آن و امامت قاضی جائز نیست باکر است و اقتضای مردقاری
 بالغ بکوک و زن و اُمّی و اقتضای مفترض متبطل جائز نیست
 و اگر اُمّی قاری و اُمّی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پیر محدث جائز نیست و از افساد و امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوقفی خلف متیم جائز است و
 نماز رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست
 مسئله اگر یک مقتدی باشد برابر امام بیروت است راست باشد
 و دو مقتدی و زیاده خلف امام با میستند و تنها خلف صفت اگر کسی نماز
 کند از نمازش مکره باشد و نزد واحد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از
 امام مقدم شود نمازش باطل شود و این مایچ از اناس روایت کرده که

در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است

رسول فرمود علیه السلام که نماز مرد و زن خانه خود و یک نماز و او را
 و نماز او در مسجد قبله ثواب بیست و پنج نماز و نماز او در مسجد جمعه
 پانصد نماز و نماز او در مسجد نبوی ثواب هزار نماز و نماز او در مسجد نبوی
 مسجد مدینه ثواب پنجاه هزار نماز و نماز او در مسجد حرام ثواب هشتاد هزار
فصل طریق خواندن نماز بر وجه سنت آن است که از آن گفته
 شود و اقامت و نزو عجل علی الصلوة انا هم بر خیر و نزو قد قامت
 بکبر گوید و نیت کند و هر دو دست تا زمره گوش بردارد و مقتدی
 بتو کبیر انا تکبیر گوید و دست راست بر دست چپ بریناف نهاند
 ابی خلیفه وزن هر دو دست تا دوش بردارد و بالای سینه دست
 بروست بپند سپهر امام و منقر و مقتدی سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
 خفیه بخواند سپهر امام و منقر و اعوذ بالله مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خفیه بخواند و مَبُوق در
 قضای سابق اعوذ و بسم الله خواند مقتدی سپهر امام و منقر و

در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است

در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است

در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است
 در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است و در این روز که روز نهم است از هر چه که در روزهای دیگر است بیشتر است

بجایگزین گویان بر خیزد و او را بر سر دو دست استیزان و با سر و

فصل اول در بیان احوال و مشیقه

مستقیم است و این برای
مستقیم است و این برای
مستقیم است و این برای

[illegible]

در اینجا نیست که قدرت هم ناز
اصلاً در کمالی از نابل رعیان
بسی نیست که قدرت در آن دل
و غیره ۱۳۱۱

[illegible]

[illegible][illegible]

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

[illegible]

قل و انما انا بشر
 مثلکم اذ انزلت
 الی منی فاعلموا
 انی رسول ربکم
 فاعلموا انی رسول
 ربکم فاعلموا انی
 رسول ربکم فاعلموا
 انی رسول ربکم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وقيل انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في

وقيل انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في

وقيل انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في
 الخبر انما جاء في

وَلِلّٰهِ الْحُكْمُ اِذَا رَأَيْتُكُمْ تَقْدِرُونَ عَلَىٰ اَنْ تَقْرَءُوا الْقُرْآنَ اَوْ تَتَذَكَّرُوْا فِيْهَا وَلَكُمْ عَلَيْهَا ذِكْرٌ لَّعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ
 نوافل سنت قبل نماز فجر دو رکعت است سورة کافرون داخل
 در آن خواند و پیش از نماز ظهر و جمعه چهار رکعت است بیک سلام
 و بعد ظهر دو رکعت است و بعد جمعه چهار رکعت است نزد ابی یوسف
 شش رکعت و مستحب آنست که چهار رکعت بعد ظهر گزارد و بعد سلام
 و پیش از نماز عصر دو رکعت یا چهار رکعت مستحب است بعد نماز
 مغرب دو رکعت سنت است بعد از آن شش رکعت دیگر
 مستحب است آنرا صلوة الاوین گویند و بروایتی بعد نماز
 مغرب بیست رکعت آمده و پیش از عشا چهار رکعت مستحب
 و بعد عشا دو رکعت سنت است و چهار رکعت دیگر مستحب
 و بعد وتر دو رکعت ششم خواندن مستحب است در رکعت اول
 اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ وَ در رکعت ثانیه قُلْ يَا أَيُّهَا
 الْكَافِرُونَ خواند و نماز تهجد سنت مکرره است پیغمبر صلی الله

و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است

و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است

و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است

و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است

و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است
 و بعد از آن شش رکعت است

علیه و سلم گاهی ترک نموده و اگر احیانا فوت شده و از روزه
 رکعت در روز قضا نموده و نماز تہجد از چهار رکعت کمتر یا
 و از دوازده رکعت زیاده ہم بی ثبوت نہ پیوستہ پیغمبر صلی اللہ علیہ
 و سلم نماز تہجد بخواند سنت ہمین است ہرگز انفس خود اعتماد
 باشد و تہجد آخر شب بخواند کہ این بہتر است اگر اعتماد باشد
 پیش از خواب بخواند کہ احتیاط در نسبت پیغمبر صلی اللہ علیہ و سلم
 گاہی تہجد مع وتر ہفت رکعت خواندہ و گاہی یازدہ و گاہی
 سیزدہ و گاہی پانزدہ گاہی دو گانہ دو گانہ و گاہی چہار گانہ
 چہار گانہ و گاہی مجموع بیست سلام و گاہی ہر دو گانہ بوضو
 جدید و سواک خواندہ و بعد ہر دو گانہ خواب فتنہ و باز بیدار شدہ
 و طول قیام و تہجد بسیار میفرمود تا بحدی کہ پاہای مبارک دم کردہ
 و نشق شدہ گاہی چہار رکعت گزاردہ در رکعت اولی سورۃ لقہ
 و در ثانیہ سورۃ آل عمران و در ثالثہ سورۃ نسا و در رابعہ سورۃ مائت و

و کہ کمتر یا بیشتر
 و در اکثر روز نماز
 و در اکثر روز نماز
 و در اکثر روز نماز

این کتاب از حضرت شیخ محمد باقر
 است و از کتابهای معتبره است
 و در این کتاب از فضیلت و برتری
 این کتاب و از فضیلت و برتری
 این کتاب و از فضیلت و برتری
 این کتاب و از فضیلت و برتری

مردی گشته و نیزه و این پیش از ظهر چهار رکعت نفل می گشته و هرگاه
 وضو و بوی کبریا و وضو و گاه گشت است هرگاه در سجده و در سجده
 تحمیه ایست است بعد از نماز هر روز ذکر آیهی مشغول ماندن است
 سه ساله جماعت در نفل مکرر و هست مکرر در رمضان نیست
 که هر یک رکعت برده سلام بگرد و با جماعت هر رکعت ده آیت
 خواند و در تمام رمضان ختم قرآن شود و در کمال قوم این کم نکند و اگر
 قوم را غیب باشند در تمام رمضان و ختم یا ختم یا چهار ختم کند و بعد
 هر چهار رکعت بخواند آن چهار رکعت جلسه کند و بزرگ مشغول باشد
 و این از ترویج گویند و بعد از ترویج و ترویج جماعت گرد و سوا رمضان
 و ترویج جماعت مکرر است تا استخاره اگر کاری پیش آید
 سنت است که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد
 دو گانه حج بخورد و در بر پیغمبر اسلام و این را عا تجاوند اللهم
 اِنِّی اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ

چنانکه در این کتاب است و از فضیلت
 چنانکه در این کتاب است و از فضیلت
 چنانکه در این کتاب است و از فضیلت
 چنانکه در این کتاب است و از فضیلت
 چنانکه در این کتاب است و از فضیلت
 چنانکه در این کتاب است و از فضیلت

از فضیلت و برتری این کتاب
 از فضیلت و برتری این کتاب
 از فضیلت و برتری این کتاب
 از فضیلت و برتری این کتاب
 از فضیلت و برتری این کتاب
 از فضیلت و برتری این کتاب

[illegible]

فائزہ عجب

تقصیص
چهار گانه از ترک قرارت یک
رکعت از هر دو شیخ کز زود امام اعظم
منقول شده روایت امام محمد از ابو یوسف است
اما خود امام ابو یوسف ازین روایت انکار کرده اند
تقصیصش به یکم چون امام محمد اجازت امام ابو یوسف
بجایف جامع صغیر پیدا نداشتند و نظریه اسناد
روایت خود از امام ابو یوسف از امام ابو یوسف دران
بنا نهادند امام محمد کتاب مذکور را برایشان عرض
نمود بعد تنبیهش فرمود همه صحیح و مطابق است مگر
شش سلسله از ابو حنیفه نقل
نموده ام امام

۱۶
 گفت من قول امام را موقوف
 قول خودی
 کرده ام و این
 اختلاف بعد از اینست که غلامی
 با کتبی را که نوشته باشد یکی از
 دو پسر متول غلام خود را میبرد
 و این مسئله نیز اختلاف قس کرده
 شد که آنکه غلامی که پسر غلام را
 گرفته باشد حق آن غلام ندارد و حق
 صاحب آن آزاد کرد و بدو داده

69

گفت من این کتاب را خوب یاد دارم
که تو فرموده دینی گوشت الاغ و سگ و کبوتر
از اینها سگ و الاغ و کبوتر را بپوشش کردی پس
امام دین صورت خطای از کتب فتن من را
دور شستی از دشمنان و قتل امام محمد باقر را
کرده اند بسبب توافق و میل امام عظیم
دوم به یکسختی قاضی الکریم سلطان آغا
کرده باشند تا خروج وقت نماز را در پیش رو دست
امام بپوشانند و هم فرمود من از این نماز تا دخول
وقت نماز را بپوشانم کرده ام و خود
پیش از آنکه از

کدام را در این مقام مساوی
دری می توانی قبول بر یک از
ایست تمام مگر در بیست نمود
عالم و مقصود از ساختن عالم
چگونه که از دست کسی کشود
حقیقت خود را از مردم و از خودخواه
کرده شود نام این یوسف گفت
من چنین روایت کرده ام و تمام
مگر عجب است ما را یک
س

اینست سخن بخواند یا بشنود اگر چه قصد شنیدن نکرده باشد
 مسئله از خواندن امام اگر چه آهسته خواند بر مقتدی سجد و واجب
 شود و از خواندن مقتدی کسی واجب نشود مگر کسی که خارج
 نماز باشد و از و بشنود و همچنین کسی که در رکوع یا سجود یا قومه یا
 جلسه آیه سجد خوانده باشد مسئله اگر کسی خارج نماز آیه سجد خواند
 محصلی شنید بعد از نماز سجد کند و اگر در نماز آن سجد کند روا
 نباشد لیکن نماز باطل نشود مسئله اگر امام آیه سجد خواند کسی
 خارج نماز آن را بشنید بستر یا آن امام اقتدا کرد اگر پیش از سجد
 کردن امام اقتدا کرد همراه امام سجد کند و اگر بعد سجد کردن
 امام در همان رکعت داخل شد اصلا سجد سجد نکند و اگر در رکعت
 دیگر داخل شد بعد نماز سجد کند مانند کسی که قنوت را نکرده
 مسئله سجد و تلاوت که در نماز واجب است بعد از نماز قضا شود
 مسئله اگر کسی آیه سجد خارج نماز خواند و سجد نکند و پس از نماز

۵۸

اگر کسی سجد خواند و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد
 اگر کسی سجد خواند و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد
 اگر کسی سجد خواند و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد
 اگر کسی سجد خواند و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد و در آن سجد کرد

شروع کرد و باز همان آیه خواند یک سوره که گفت که و اگر بخواند
 کرد پس در نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سوره که گفت
 اگر شخصی در مجلس یک سوره یا سوره یا سوره یا سوره یا سوره یا سوره
 کند و اگر آیه دیگر خواند یا مجلس دیگر سوره دیگر کند و اگر مجلس
 تلاوت کند و تحمید است مجلس سوره تحمید تر تلاوت کند
 یک سوره واجب و بر سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره
 متحدا باشد مجلس تلاوت کند سوره که کیفیت سوره است
 که با شتر انظار تحمید گویان سوره رود و سوره گویان و سوره گویان
 از سوره سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره
 کرده است که تمام سوره خواند و آیت سوره خواند و سوره کرده
 کردان تمام قرآن است و در نماز
 نیست یک و آیه یا آیه سوره فهم کرده خواندن بهتر است و بهتر
 آن است که آیه سوره آیه سوره خواند تا بر سوره سوره و سوره و سوره

هذه الزيادة ليست مردية على كونها زيادة بقية ثم انما نشئت من زيادة في كمالها فلهذا لم يذكرها في بيانها مع انها زيادة في كمالها

7

عقبن شهادرین انگریزین
دوت باورین
سوار و فوجی
بمادیت لایمیت از دوت
لایمیت از دوت

[illegible]

قال رسول الله
عليه وسلم من كان
له دين فليؤدبه

۱۰۰

موت را همیشه یاد داشتن و صحبت با همه بجا و حب با الوصیه هر
 داشتن مستحب است و وقت غلبه طغیان بموت واجب است ^{در حدیث}
 که هر که هر روز بیست مرتبه موت بیاورد درجه شهادت یابد
 مسلم چون سلمان مشرف بمرگ شود تلقین شهادتین کرده شود
 و سوره پس بر سرش خوانده شود و چون بمیرد بر وی چشم او پوشیده شود
 و دفن او شتابی کرده شود مسلم چون غسل داده شود ختم را بخورد
 سه بار تحمید کند و هر ده بار برهنه کرده عورت او پوشیده بروی بپارد
 و نجاست قیچی پاک کرده بی آنکه آب درین بینی او کرده و وضو کند
 بآبی که اندکی در آن برگ کناری بماند آن جویش داده با غسل داده
 شود و موی پیش موئی سر او را بگل خیره و مانند آن بشوید اول بر پهلوی
 چپ غلطانیده پشتر بر پهلوی راست غلطانیده بشوید تا که آب درین
 شود و تکیه داده شکم او را آهسته ببالد اگر چیزی بر آید پاک کند و اعاده
 ضرورت نیست پشتر از پارچه خشک کرده خوشبو بر سر و ریش و کافور

[illegible][illegible][illegible]

وَمَا صِيبُكَ إِلَّا بِمَا نَقَلْتَهُ
فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ
إِنَّهُ سَاءَ جَائِزٌ لِمَا تَعْمَلُ

[illegible]

مسئله سوار بر اسبان جائز نیست مسلمه نماز بخانه و مسجد بکون است
 مسئله نماز بر مرده غائب بر بعضی که ترا نصف نیست
 طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود والا نه
 مسئله طفلی که از در حرب بدون مادر و پدر بی گناه
 شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل و مسلمان شد
 درین هر سه صورت اگر آن طفل بمیز نماز بروی کرده شود مسلمه
 سنت آنست که جنان را چهار کسب دارند و جمله روان شوند
 نه پویان و همراهِ ایشان پس جنان روان شوند و تا که بخانه
 بر زمین نهاده نه شود نه نشینند مسئله سجده در قبر کرده شود و میت
 را از جانب قبله داخل قبر کرده شود و وقت نهادن بسوی الله
 و علی و آله رسول الله گفته شود و روی بسوی قبله کرده شود
 قبر زن پوشیده شود و خشت خام پائی نهاده خاک
 ایناسته شود و قبر مثل کوهان شتر کرده شود و خشت بخته

مسئله سوار بر اسبان جائز نیست مسلمه نماز بخانه و مسجد بکون است
 مسئله نماز بر مرده غائب بر بعضی که ترا نصف نیست
 طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود والا نه
 مسئله طفلی که از در حرب بدون مادر و پدر بی گناه
 شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل و مسلمان شد
 درین هر سه صورت اگر آن طفل بمیز نماز بروی کرده شود مسلمه
 سنت آنست که جنان را چهار کسب دارند و جمله روان شوند
 نه پویان و همراهِ ایشان پس جنان روان شوند و تا که بخانه
 بر زمین نهاده نه شود نه نشینند مسئله سجده در قبر کرده شود و میت
 را از جانب قبله داخل قبر کرده شود و وقت نهادن بسوی الله
 و علی و آله رسول الله گفته شود و روی بسوی قبله کرده شود
 قبر زن پوشیده شود و خشت خام پائی نهاده خاک
 ایناسته شود و قبر مثل کوهان شتر کرده شود و خشت بخته

مسئله

مسئله سوار بر اسبان جائز نیست مسلمه نماز بخانه و مسجد بکون است
 مسئله نماز بر مرده غائب بر بعضی که ترا نصف نیست
 طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود والا نه
 مسئله طفلی که از در حرب بدون مادر و پدر بی گناه
 شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل و مسلمان شد
 درین هر سه صورت اگر آن طفل بمیز نماز بروی کرده شود مسلمه
 سنت آنست که جنان را چهار کسب دارند و جمله روان شوند
 نه پویان و همراهِ ایشان پس جنان روان شوند و تا که بخانه
 بر زمین نهاده نه شود نه نشینند مسئله سجده در قبر کرده شود و میت
 را از جانب قبله داخل قبر کرده شود و وقت نهادن بسوی الله
 و علی و آله رسول الله گفته شود و روی بسوی قبله کرده شود
 قبر زن پوشیده شود و خشت خام پائی نهاده خاک
 ایناسته شود و قبر مثل کوهان شتر کرده شود و خشت بخته

مسئله سوار بر اسبان جائز نیست مسلمه نماز بخانه و مسجد بکون است
 مسئله نماز بر مرده غائب بر بعضی که ترا نصف نیست
 طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود والا نه
 مسئله طفلی که از در حرب بدون مادر و پدر بی گناه
 شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل و مسلمان شد
 درین هر سه صورت اگر آن طفل بمیز نماز بروی کرده شود مسلمه
 سنت آنست که جنان را چهار کسب دارند و جمله روان شوند
 نه پویان و همراهِ ایشان پس جنان روان شوند و تا که بخانه
 بر زمین نهاده نه شود نه نشینند مسئله سجده در قبر کرده شود و میت
 را از جانب قبله داخل قبر کرده شود و وقت نهادن بسوی الله
 و علی و آله رسول الله گفته شود و روی بسوی قبله کرده شود
 قبر زن پوشیده شود و خشت خام پائی نهاده خاک
 ایناسته شود و قبر مثل کوهان شتر کرده شود و خشت بخته

[illegible]

گذشته باشد مسئله اگر بعد ملک نصاب پیش از تمام سال زکوة
 یک سال یا زکوة چند سال پیشگی ادا کرد او اشود مسئله اگر
 مالک یک نصاب زکوة چند نصاب داد و بعد او ای زکوة
 مذکور مالک چند نصاب شد تا هم او اجازت باشد مسئله زکوة
 در مال صبی و مجنون واجب نشود و نزدانی خفیقه و نزدانی باشد
 واجب شود و مالی از طرف او ادا کند مسئله در مال ضامن
 مالیکه گم شده باشد یا در یا افتاده باشد یا کسی غصب کرده باشد
 و بران شود و نباشد یا در صحرا مدفون بود و کانش فراموش شده
 باشد یا دین باشد بر کسی بدیون بنکر باشد و شود بر آن نباشد
 یا پادشاه یا مانند آن یعنی کسیکه فریاد او نزد دیگری ممکن نباشد
 بمصادف گرفته باشد درین چنین حال زکوة واجب نیست و اگر این
 مال باز بدست آید یا بنیک ایام گذشته زکوة واجب نشود و اگر دین باشد
 برقر اگر چه مفلس باشد یا بران دین شود و نباشد یا در علم قاضی باشد

مسئله اول
 در مال خرد و گران نیست
 که نفع آن را بکس غاصب
 ممکن نباشد با وجود
 بقا به ملک در دست
 که از آن مال بکس غاصب
 حق الحاق مال بکس غاصب
 یک شخص کوه داشته
 یک شخص سار که در آن
 نصب کرده غاصب
 و از آن نیست اگر چه غاصب
 تمام مال را از آن مالک بکس
 غاصب کرده

اگر عادل انصاف باشد
 واجب شود و اگر عادل
 انصاف نباشد واجب نشود
 و از آن مال بکس غاصب
 ممکن نباشد با وجود
 بقا به ملک در دست
 که از آن مال بکس غاصب
 حق الحاق مال بکس غاصب
 یک شخص کوه داشته
 یک شخص سار که در آن
 نصب کرده غاصب
 و از آن نیست اگر چه غاصب
 تمام مال را از آن مالک بکس
 غاصب کرده

در سال اول سال تمام
 در سال دوم سال تمام
 در سال سوم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام

زکوة حصه آن ساقط شد مسئله اگر اول سال و آخر سال نصاب
 کامل بود و در میان سال ناقص شود زکوة تمام سال اجرت
 نقصان میانه معتبر نیست مسئله سال نامی که در آن زکوة واجب شود
 قسم است یکی نقد یعنی زر و سیم خواه مسکوک بود یا تیر یا زور یا خر
 طلا و نقره نصاب بیست مثقال است که هفت و نیم توله باشد و
 نصاب سیم و دو صد درم است که پنجاه و شش روپیه که دلی و
 آن میشود و مقدار زکوة واجب از هر دو پنجاه و شش درم است اگر کم از
 نصاب باشد و همچنین سیم نزد امام عظم هر دور با اعتبار است
 یک جنس کرده نصاب اعتبار کرده شود و منفعت فقیر مرعی داشته
 شود و نزد صاحبین با اعتبار اجزا نصاب کامل کرده میشود اگر
 صد درم سیم و ده مثقال نر باشد یا اتفاق زکوة واجب و اگر صد
 درم سیم و پنج مثقال نر باشد و قیمت پنج مثقال نر برابر
 صد درم است زکوة نزد امام عظم و سیم و شصت و دو صاحبین

در سال اول سال تمام
 در سال دوم سال تمام
 در سال سوم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام

در سال اول سال تمام
 در سال دوم سال تمام
 در سال سوم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام
 در سال چهارم سال تمام
 در سال پنجم سال تمام
 در سال ششم سال تمام
 در سال هفتم سال تمام
 در سال هشتم سال تمام
 در سال نهم سال تمام
 در سال دهم سال تمام
 در سال یازدهم سال تمام
 در سال بیستم سال تمام
 در سال سی و نهم سال تمام

[illegible]

[illegible]

قطع بر هر مسلم مکلف منکر آن کافر بود و تارک پیغمبر فاسق
 در صحیحین است که ابوهریره از رسول کریم صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که هر عمل حسنه این آدم نماید ده داده شود
 ثواب آن ده چند تا هفتصد چند حقیقی فرمود مگر صوم بزرگ
 روزه برای من است من خود جزای روزه هجتم الحدیث مسلم
 شرط ادای روزه نیت است و طهارت از حیض و نفاس
 و شرط وجوب از جهت روزه است ۱۲ حالیکه
 مسلم روزه بر شش قسم است یکی روزه رمضان دوم روزه
 غنا سوم روزه نذر معین چهارم روزه نذر غیر معین پنجم روزه
 عارت ششم روزه افضل نذر امام اعظم روزه رمضان
 بطلان نیت نیت فرض وقت نیت قبل ادا شود و اگر نیت یا
 عارت کرد اگر صحیح مقیم است فرض وقت ادا شود و اگر غیر
 مسافر است آنچه نیت کرد از قضا یا کفایت ادا شود و نذر قضای
 هم فرض وقت ادا شود و نذر مالک و شافعی و احمد برای روزه

مسلم
 خلافت خود باز
 در روزی ای وادار
 سنان است که
 خدا خود در دست
 در روزی ای وادار
 حال که بر سر
 پس دو بار
 هر دو دست بی
 دینی چنانچه
 مانع از
 هم
 اگر روزی
 در روزی
 بود که اگر
 شمس افکار
 در آن حالت
 کردین کفاره
 شد یا کفاره
 یا کفاره
 علی

مسلم
 خلافت خود باز
 در روزی ای وادار
 سنان است که
 خدا خود در دست
 در روزی ای وادار
 حال که بر سر
 پس دو بار
 هر دو دست بی
 دینی چنانچه
 مانع از
 هم
 اگر روزی
 در روزی
 بود که اگر
 شمس افکار
 در آن حالت
 کردین کفاره
 شد یا کفاره
 یا کفاره
 علی

مسلم
 خلافت خود باز
 در روزی ای وادار
 سنان است که
 خدا خود در دست
 در روزی ای وادار
 حال که بر سر
 پس دو بار
 هر دو دست بی
 دینی چنانچه
 مانع از
 هم
 اگر روزی
 در روزی
 بود که اگر
 شمس افکار
 در آن حالت
 کردین کفاره
 شد یا کفاره
 یا کفاره
 علی

بهر تقدیر چند روزه را چند کفارت میباید و اگر از دو رمضان
 روزه فاسد کرده و کفارت روزه اول نداده و منیت
 کفارت عطسه عطسه و حبس اگر سبب یا بکراهه فطار کرد و کج
 یا ختم کرده شد یا در گوش یا دینمی و اچکانیده شد یا در ختم
 یا زخم سر و اچکانیده شد پس دو ابد منع او باد تکم او رسید نیکو
 یا آهنی یا خیز کیک از جنس و او غذا نیست از خلق فرو برد یا بقصد
 دین قی کرد یا بگمان شطام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا
 بگمان غروب فطار کرد حال آنکه غروب نشد بود یا طعام
 بفراوشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پسر عمر را خورد یا آب
 خلق خفته ریخته شد یا زنی خفته یا در حالت یوگی یا بهوشی چای
 شد و نیزه و نهاقضا و حبس نه کفارت همچنین اگر در رمضان نه
 روزه کرد و نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از وقوع
 نیامد قضا واجب شد و نه کفارت اگر در رمضان نیت روزه نکرد

مسلم
 خلافت خود باز
 در روزی ای وادار
 سنان است که
 خدا خود در دست
 در روزی ای وادار
 حال که بر سر
 پس دو بار
 هر دو دست بی
 دینی چنانچه
 مانع از
 هم
 اگر روزی
 در روزی
 بود که اگر
 شمس افکار
 در آن حالت
 کردین کفاره
 شد یا کفاره
 یا کفاره
 علی

[illegible]

[illegible]

مسامحه او دست که یک روز روزه دارد و یک روز افطار کند بشرطیکه
با اوست بر آن تواند کرد که عبادت او هم بهترست مسلمة زن را
بدون اذن شوهر و بنده را بدون اذن مالک و نفل نباید داشت
فصل عثمکاف در سجده عبادت است و در مسجد جامع اولی
و واجب میشود عثمکاف بند و آن عبارتست از ماندن مسجداً
به نیت عثمکاف قل آن یکروز است نزد امام عظم و کشته شود
نزدایی یوسف و یک ساعت نزدیک و عثمکاف عشره اخیره
رمضان سنت موعوده است روزه در عثمکاف واجب شرط است
و همچنین در نفل در روایتی وزن در سجده خانه عثمکاف کند مسلمة
مستحکم از مسجد بر نیاید بگر برای بول یا غائط یا نماز جمعه و در وقتیکه
جمعه را با نیست توان یافت و در مسجد جامع زیاده از آن
درنگ نکند اگر درنگ کرد عثمکاف فاسد نشود مسلمة اگر
متشکک باشد یا غیر یکساعت از مسجد بر آید عثمکاف فاسد
خواهد شد یا نه

[illegible][illegible][illegible]

اگر چہ اس کے لئے
 مقررہ روز و وقت نہیں ہوتا
 حال میں علم و درس
 کی نسبت کوئی بات نہ ہوتی
 مگر دریں صورت جانو
 استہدایانِ وقت از
 مسجدِ نبویؐ نمودند
 و این کہ رسم اور پاسے
 اعتکاف و احبابِ اسلام
 رہا ہے اعتکاف غیر زوج
 بدو دنِ تربتِ نذر شروع
 رہے اور مذکورہ راجو
 مستحکم آنی مالک کے چوتھے

آن یافته شود و منکر آن کافرست و تا اگر آن با وجود شرائط و جوایز یافت
لیکن از بسکه درین دیار شرائط کمتر موجود میشود و در عمر بسیار حوائج است
و قوع آن بابر بار نمی شود و عند الحاجة مسائل آن میتوان آموخت
لذا مسائل حج درین رساله مختصر ذکر کرده شد و الله اعلم

کتاب التقوی

بعد ایشان ارکان اسلام و نشتن حرام و مکروه و مشبه و برهیز از
مشبهات بنا بر احتیاط از وقوع در حرام و مکروه از ضروریات
اسلام است **فصل در خوردن خوردن** **نیت** یعنی جانوریکه بخورد مرده
باشد و جانوریکه آن را کافر غیر کتابی ذبح کرده باشد حرام است همچنین
جانوریکه آن را مسلمان یا کتابی ذبح کرده باشد و عذرا **بسم الله**
ترک کرده باشد حرام است اگر پندش **ترک کرده باشد نزد مالک**
حرام است نزد امام **عظم حلال است مسلم خوردن درنده از چهار**
پایگان و پرندهگان اگر چه بقتار و روماه باشد و فیل و خر و تر

خنجر منو مجا کو لایا کہ پھر
 کشندی وانی خنجر دانی کی پھر
 وایلیک کی فوج منی لاشان
 زون یا دور و دیلیک کران بانو
 عظیمیہ دم کی بادلوں طمس است
 جنتین جادو کے کہ نام غم خدا
 زنجار کو دود و دود کی دوت
 وادی کران کی بادلوں طمس است
 وادی کران کی بادلوں طمس است

[illegible]

سلام
 یعنی خدایان را در خود حسی
 یعنی که از خود گوشت و غیر
 آن دور و مطلق است و لا
 فیه اول و آخر و سمت
 اگر چه از او آمده و غیر باشد
 و از او آمده و با او باشد
 مطلق است با فغان و
 اگر چه او را پس باشد
 پس با او و در مخالفت
 فیه است که از او
 و از او و در مخالفت
 و از او و در مخالفت

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

[illegible]

[illegible]

در لباس پاریچه پوشیدن بقدر تر عورت و دفع سرا و محرکات
 مهملک فرض است و زیاده از آن برای زینت مأمور و انظما
 نعمت خدا و ادای شکر مستحب است و مسنون آنست که
 لباس انگشت منانپوش رود این دراز تا نصف ساق باشد
 و دامن تا شتا انگب جائز است و فروتر از آن حرام است و شمله
 یک و جب نیت نیت مستحب است و زیاده تکلف در لباس
 بنا بر اسراف و تکبر حرام است یا مکروه و بدون آن مباح است
 مسئله معصوم و مفرغ مردان احرام است نه زنان را و بر و آیت
 رنگ سرخ مردان مطلقا مکروه است مگر خط مشل سوی
 مسئله پارچه که تا و پود آن بر شیم باشد زنان را حلال است
 مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم آنچه پود آن
 ابر شیم و تا آن از پنبه یا صوف باشد و در حرب جائز است و آنچه
 پود آن از پنبه است و تا آن ابر شیم شروع است در هر حال

در لباس پاریچه پوشیدن بقدر تر عورت و دفع سرا و محرکات
 مهملک فرض است و زیاده از آن برای زینت مأمور و انظما
 نعمت خدا و ادای شکر مستحب است و مسنون آنست که
 لباس انگشت منانپوش رود این دراز تا نصف ساق باشد
 و دامن تا شتا انگب جائز است و فروتر از آن حرام است و شمله
 یک و جب نیت نیت مستحب است و زیاده تکلف در لباس
 بنا بر اسراف و تکبر حرام است یا مکروه و بدون آن مباح است
 مسئله معصوم و مفرغ مردان احرام است نه زنان را و بر و آیت
 رنگ سرخ مردان مطلقا مکروه است مگر خط مشل سوی
 مسئله پارچه که تا و پود آن بر شیم باشد زنان را حلال است
 مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم آنچه پود آن
 ابر شیم و تا آن از پنبه یا صوف باشد و در حرب جائز است و آنچه
 پود آن از پنبه است و تا آن ابر شیم شروع است در هر حال

در لباس پاریچه پوشیدن بقدر تر عورت و دفع سرا و محرکات
 مهملک فرض است و زیاده از آن برای زینت مأمور و انظما
 نعمت خدا و ادای شکر مستحب است و مسنون آنست که
 لباس انگشت منانپوش رود این دراز تا نصف ساق باشد
 و دامن تا شتا انگب جائز است و فروتر از آن حرام است و شمله
 یک و جب نیت نیت مستحب است و زیاده تکلف در لباس
 بنا بر اسراف و تکبر حرام است یا مکروه و بدون آن مباح است
 مسئله معصوم و مفرغ مردان احرام است نه زنان را و بر و آیت
 رنگ سرخ مردان مطلقا مکروه است مگر خط مشل سوی
 مسئله پارچه که تا و پود آن بر شیم باشد زنان را حلال است
 مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم آنچه پود آن
 ابر شیم و تا آن از پنبه یا صوف باشد و در حرب جائز است و آنچه
 پود آن از پنبه است و تا آن ابر شیم شروع است در هر حال

در لباس پاریچه پوشیدن بقدر تر عورت و دفع سرا و محرکات
 مهملک فرض است و زیاده از آن برای زینت مأمور و انظما
 نعمت خدا و ادای شکر مستحب است و مسنون آنست که
 لباس انگشت منانپوش رود این دراز تا نصف ساق باشد
 و دامن تا شتا انگب جائز است و فروتر از آن حرام است و شمله
 یک و جب نیت نیت مستحب است و زیاده تکلف در لباس
 بنا بر اسراف و تکبر حرام است یا مکروه و بدون آن مباح است
 مسئله معصوم و مفرغ مردان احرام است نه زنان را و بر و آیت
 رنگ سرخ مردان مطلقا مکروه است مگر خط مشل سوی
 مسئله پارچه که تا و پود آن بر شیم باشد زنان را حلال است
 مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم آنچه پود آن
 ابر شیم و تا آن از پنبه یا صوف باشد و در حرب جائز است و آنچه
 پود آن از پنبه است و تا آن ابر شیم شروع است در هر حال

[illegible]

جائزست مسئلہ از پارچہ ایشی خالص فرش و تکیہ ساختن

جائزست نزد امام اعظم و نزد صاحبین جائز نیست سلم

وہ عین بد شامی و مالک جائز است ۱۲ در

ترتبان را زیور زرق و نقره پوشیدن جابر است و مردان را

بیا از نیست بگرانگشتری نقره و کندن زر گر و نگینه مسلمان

مندان شکسته تبار نقره جا ترست نه تبار زر و نوزده صاحبین

ما از دم جانزست سلاخ گشتی از آه بن سنگ و روغن

نیز نیست میسلمه پادشاه وقاضی برانگشته برای مهربان

نت بنت دو گران را ترک آید فضا است مستطوع

در آن روز طوفان که گفت مقدم مرا بر باد نشسته و در سینه

چنانچه در این کتاب مذکور بر آن باب شد و حسن بن برپه پسرین

و ان قول البصيفه است ۱۲

است و از محراب درویش است مسلم طفل را پوشانیدن

و در هر امر مستعمل در معنی و دوائی آن جماع کردن

مسلک و یا مملوک خود در و بریاد و حالت حیض حرام است

[illegible][illegible]

له قول: ملوک و دوله در ملک و دولت
 که در پیش خالق است بزرگوار
 و پیش خالق نیست خلق که در پیش
 چو سپهر پادشاهی است خورشید
 باز در آن پادشاهی است خورشید
 میگردید دولت و مدین
 در دانیست از آن
 عالم که در پیش
 شمس و در آن بزرگوار
 نیست همی دولت
 که در آن بزرگوار
 که در آن بزرگوار

دیدن جانزست اگر شهوت نباشد و الا جانز نیست قرآن آمده
 بگوای محمد مردان مسلمانان را که از زنان چشم پوشند و فروج را
 نگاهدارند و بگویند مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فروج را
 نگاهدارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه بشهوت ببیند
 سرب در چشم او روز قیامت ریخته شود مسئله از زن منکوحه
 و مملو که خود تمام بدن دیدن جانزست لیکن مستحب آنست که
 شمرگاه را نه بیند و از زن محرمه خود را نیز اجنبی سرور و
 ساق و بازو ببیند و مس کردن هم جانزست اگر از شهوت
 مأمون باشد شکم و پشت و ران نبیند و بنده از مالکه خود مثل
 اجنبی است مسئله دیدن لبوی زن اجنبیه وقت اراده نکاح
 یا شرای آن با وجود شهوت هم جانزست و همچنین نباید را
 نزد محل شهادت و ادای آن و حاکم را نزد حکم مسئله خوجه و
 اخته را حکم مرد است مسئله عزل از منکوحه حریفی منی بیرون

[illegible][illegible]

[illegible]

انداختن تا علق نشود بی اذن او جائز نیست و اگر مملو که غیر
 منکوحه او باشد بغیر اذن سید او جائز نیست و از مملو که خود بی
 اذن جائزست مسلمة اگر کسی نیز از بشر یا سبیه یا ارث یا مانند آن
 مالک شد و طی آن جائز نیست و نه دواعی و طی تاکه در ملک
 او یک حیض کامل یافته شود و اگر صغیره یا آنکه باشد بعد بچاه
 و طی جائزست مسلمة اگر دو کثیر در ملک کسی باشند که نکاح آن هر
 دو جمع نتوان کرد آنکس اگر با یکی و طی کرد دیگر بروی حرام باشد
 تاکه آن را از ملک خود خارج کند یا نکاح کرده و در فصل
 در کسب و تجارت و اجاره در حدیث آمده که طلب حلال
 فرضست بعد فراغ و بهترین کسب عمل دست خودست
 داود علیه السلام عمل از دست خود میکرد و میخورد و زره میخست
 و دیگر بیع مبرور بهترست یعنی بیع که پاک باشد از فساد و کراهیت
 مسلمة اگر بیع مال نباشد مثل میتة یا خون یا حرج آن باطلست

[illegible]

علیہ السلام غرض
 خیر و بد و غیرتی و فحش
 عیسیٰ علیہ السلام غرض
 خیر و بد و غیرتی و فحش
 محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم غرض
 خیر و بد و غیرتی و فحش
 عیسیٰ علیہ السلام غرض
 خیر و بد و غیرتی و فحش
 محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم غرض
 خیر و بد و غیرتی و فحش

در این کتاب که در بیان احوال و سیرت ائمه است
از کتب معتبره است که در این باب از آن استفاده شده است

[illegible]

برابر زود اتمام عظم جائز است و نزد غیر او جائز نیست اگر خرم او
انگو خشک شده کم شود مسلمه جدید و ردی و مال لبوا بر ابر باید
فروخت یا مقابله جنس یا غیر جنس بضم غیر جنس یا ناقص باید کرد
مسلمه در حدیث آمده هر قرض که قرض دهنده را موجب نفع
باشد حکم ربوا دارد پس مقرر از مقرر قبول ضیافت نکند
مگر بحدت قدیم بلکه در سایه دیوار او نشستن هم مکروه است مسلمه
هندوی برای خطر راه هم مکروه است اگر هتد او در میان
نباشد و اگر باشد در انصورت حرام است و ربو مسلمه چنانچه
از بیع فاسد و ربوا احترام از باید کرد از اجاره فاسده هم حرام است
و اجمیت جهالت معقود علیه که بمنزعت رساند اجاره را فاسد
کند و شرط فاسد نیز اگر اجاره کرده که امروزه سیر آرگندم بیک درم نان
بهرم اجاره فاسد شود مسلمه چیزی که اعلل اجیر حاصل شود
بعضی از ان اجرت مقرر کردن منفسد اجاره است چنانچه بکیم

فان حرم ربوا را در حدیث آمده هر قرض که قرض دهنده را موجب نفع باشد حکم ربوا دارد پس مقرر از مقرر قبول ضیافت نکند مگر بحدت قدیم بلکه در سایه دیوار او نشستن هم مکروه است مسلمه هندوی برای خطر راه هم مکروه است اگر هتد او در میان نباشد و اگر باشد در انصورت حرام است و ربو مسلمه چنانچه از بیع فاسد و ربوا احترام از باید کرد از اجاره فاسده هم حرام است و اجمیت جهالت معقود علیه که بمنزعت رساند اجاره را فاسد کند و شرط فاسد نیز اگر اجاره کرده که امروزه سیر آرگندم بیک درم نان بهرم اجاره فاسد شود مسلمه چیزی که اعلل اجیر حاصل شود بعضی از ان اجرت مقرر کردن منفسد اجاره است چنانچه بکیم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

قولم از دست زار
 چو از دست زار
 جانم از دست زار
 در میان درخت
 سواست خاک و خاک
 صاحب: خاک و خاک
 گفت: زین می خاک
 این صورت خاک
 غنچه که در آن
 بر من قوت بخور
 دادن با این می
 زنده که در آن
 داد و گیر و گیر

در میان درخت
 سواست خاک و خاک
 صاحب: خاک و خاک
 گفت: زین می خاک
 این صورت خاک
 غنچه که در آن
 بر من قوت بخور
 دادن با این می
 زنده که در آن
 داد و گیر و گیر

مسله اشکار یعنی بنیدون و نه خرقن قوتش آو میان و چهار پا یگان
 شهر کیه برای اهل آن خبر باشد مکرده است نزد امام ابی یوسف و هر
 جنس که ضرر خمار آن بجایه باشد خمار آن ممنوع است چاکم مختار را که کند
 که زیاده از حاجت خود نفروشد مسله اگر کسی غله زراعت خود را بنیدون
 از شهری بخرید یا آورده بنیدون در آن شهر است یا پادشاه حاکم از آن
 مکرده است مگر قتی که قبلاً آن گران غله بسیار تعدی نمایند در آن صورت
 بهشورت و انایان نرخ کند فصل در متفرقات آداب معاشرت
 و حقوق الناس و گناهایان سابق در تیر اندازی یا در و و این
 اسپان یا شتران یا خزان یا شتران جابریست اگر برای پیش رونده
 چیزی مقرر کرده اگر از یکجانب باشد جابریست و از جانبین جاکم
 مگر آنکه یک شخص ثالث در میان باشد و گفته شود که اگر یکی از دو کس
 پیش رود اینقدر با و داده شود و اگر دو کس پیش روند در این صورت
 از ثالث هیچ گرفته نشود و از آن دو کس هر که پیش رود از دیگر بگیرد

چاقی و غنی آن با شتران که در آن
 چاقی و غنی آن با شتران که در آن
 چاقی و غنی آن با شتران که در آن
 چاقی و غنی آن با شتران که در آن

نفسی فرموده مسئله غیبت یعنی عیب کسی غائبانه گفتن اگر چه موافق
نفس الامر باشد حرام است خواه عیب دین او گوید یا در صورت
قال الله تعالى لا یفتی بضعه بعضاً
یا در نسب یا غیر آن آنچه او را ناخوش آید مگر غیبت ظالم حرام نیست
مسئله غیبت نیست مگر شخص معین معلوم را بگفتن اگر اهل شهر را
غیبت کند غیبت نباشد مسئله نمیمه یعنی سخن یکی بدگری سنانید
بنا بر آنکه از آن
بنا بر آنکه از آن
بنا بر آنکه از آن
که موجب ناخوشی فیما بین آنها باشد نیز حرام است مسئله دشنام دادن
دگری بزبان یا با اشاره سر یا چشم یا دست یا مانند آن یا خندیدن
بر وی برنجی که موجب بهتک حرمت او باشد حرام است رسول الله
صلی الله علیه و سلم فرموده حرمت مال و آبروی مسلمان مثل حرمت خون
اوست و کعبه افرموده که حق تعالی ترا چه قدر حرمت داده لیکن
حرمت مسلمان حرمت خون او مال او و آبروی او از تو زیاده
است مسئله دروغ حرام است مگر برای صلح میان دو کس یا برای
راضی کردن اهل خود یا برای دفع ظالم از دین چنین مقام تعریض

و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

نسبت بپاکی نکنید بلکه خدا هر که میخواهد پاک میکند و اعتبار مرخص
 است خانه معلوم نیست که چه خواهد بود در حدیث آمده که حقیقی
 بعضی کسان را بهشتی نوشته است تمام عمر عمل دوزخ میکند و آخر کار
 نایب میشود و عمل بهشت میکند و بهشتی میشود و بعضی کسان را دوزخ
 نوشته و تمام عمر عمل بهشت می کند و آخر کار نوشته ازلی غالب می آید
 و عمل دوزخ میکند دوزخی میشود شیخ سعدی میگوید نظم

مرا بپر دانی روشن شهاب یکی آنکه بر خوش و بدین مباح	دو مانند زنبور بود پروی آب دو هم آنکه بر غنیمت بدین مباح
---	---

مسئله تقاضا بآتشاب حرام است تیر تیر تیر مال و جاه حرام است
 اگریم تر ز و خدا مستحق ترست مسئله بازی کردن بشرط خ بازی
 چه پریا مانند آن حرام است اگر در آن مال مشروط باشد فایده
 حرام قطعی و گناه کبیره باشد و منکر حرمت آن کافر باشد و نیز لب
 پیرانیدن کبوتر یا جنگا نیدن مرنع دانند آن حرام است مسئله

الذی السار

۱۳۶

گفته است که می آید از کتب معتبره که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است

و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل
 و قال الله تعالى لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

بیاد کرد نوشته باشد بگوید که اسامی کبریه

و در وقت از حضرت می خواند که در وقت از حضرت می خواند که در وقت از حضرت می خواند

۱۳۸

فصل در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن

و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن

و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن

و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن

و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن
 و در بیان حلال و حرام خوردن و آشامیدن

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

این حدیث در حدیث آمده که زنا با ده زن کمتر است از زنا
 با یک همسایه و در حدیث آمده که بزرگتر کبار است که کسی برود
 خود را دشنام دهد گفتند والدین را چگونه کسی دشنام دهد فرمود والدین
 دیگری را دشنام دهد و والدین این را دشنام دهد مسلم
 فاسق حرام است و حدیث است که حقیقتی بدان غضب شود
 عرش بران بزرگتر مسلم اگر کسی دیگری را لعنت کند آن کس را
 لعنت نباشد لعن بروی بازگرد مسلم حدیث است علامات
 منافق دروغ گوئی و خلاف وعده گی و خیانت در امانت
 عذر بعد عهد و دشنام و رناعت مسلم رسول فرمود صلی الله
 علیه وسلم شرک مکن بخدا اگر چه قتل کرده شوی سوخته شوی یا فریانی
 والدین مکن اگر چه ام کنند که از زن فرزند و مال خود بدهد مسلم
 حق شوهر بزن آن قدر است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
 که اگر برای سبیده غیر خدا امر میکردم زن امری کردم که شوهر را

این حدیث در حدیث آمده که زنا با ده زن کمتر است از زنا
 با یک همسایه و در حدیث آمده که بزرگتر کبار است که کسی برود
 خود را دشنام دهد گفتند والدین را چگونه کسی دشنام دهد فرمود والدین
 دیگری را دشنام دهد و والدین این را دشنام دهد مسلم
 فاسق حرام است و حدیث است که حقیقتی بدان غضب شود
 عرش بران بزرگتر مسلم اگر کسی دیگری را لعنت کند آن کس را
 لعنت نباشد لعن بروی بازگرد مسلم حدیث است علامات
 منافق دروغ گوئی و خلاف وعده گی و خیانت در امانت
 عذر بعد عهد و دشنام و رناعت مسلم رسول فرمود صلی الله
 علیه وسلم شرک مکن بخدا اگر چه قتل کرده شوی سوخته شوی یا فریانی
 والدین مکن اگر چه ام کنند که از زن فرزند و مال خود بدهد مسلم
 حق شوهر بزن آن قدر است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
 که اگر برای سبیده غیر خدا امر میکردم زن امری کردم که شوهر را

این حدیث در حدیث آمده که زنا با ده زن کمتر است از زنا
 با یک همسایه و در حدیث آمده که بزرگتر کبار است که کسی برود
 خود را دشنام دهد گفتند والدین را چگونه کسی دشنام دهد فرمود والدین
 دیگری را دشنام دهد و والدین این را دشنام دهد مسلم
 فاسق حرام است و حدیث است که حقیقتی بدان غضب شود
 عرش بران بزرگتر مسلم اگر کسی دیگری را لعنت کند آن کس را
 لعنت نباشد لعن بروی بازگرد مسلم حدیث است علامات
 منافق دروغ گوئی و خلاف وعده گی و خیانت در امانت
 عذر بعد عهد و دشنام و رناعت مسلم رسول فرمود صلی الله
 علیه وسلم شرک مکن بخدا اگر چه قتل کرده شوی سوخته شوی یا فریانی
 والدین مکن اگر چه ام کنند که از زن فرزند و مال خود بدهد مسلم
 حق شوهر بزن آن قدر است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
 که اگر برای سبیده غیر خدا امر میکردم زن امری کردم که شوهر را

سجده کند اگر شوهر زن را امر کند که سنگهای کوه زرد بکوه سیاه ببرد
 کوه سیاه بکوه سفید برسان باید که همچنان مسلمانه در حدیث آمده
 که بهترین شما کسی است که با زن خود خوب باشد من برای اهل
 خود و خیم و زن از پهلوی چپ گرفته شده است راست نتوان
 شد بر کجی آنها صبر باید کرد و نیکی باید نمود باید که او را دشمن ندارد اگر
 از ورای نباشد طلاق دهد مسلمانه گناه صغیره را سهل انگاشتن
 بران اصرار کردن گناه کبیره است حلال دانستن گناه صغیره قطعی
 کفر است بخاری او انس روایت کرده که فرمود انس که شما کار را
 میکنید از موسی باریکتر و سهل تر میدانید و ما آن را در عهد پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم از مهلکات نمیدانیم هر آنکه سخن در شرع است
 و مطلوبات از آن مشحون بقدر کفایت درین اوراق برای کسی
 خوانان نوشته شد زیاده ازین اگر احتیاج آید بعد از جمع قیود

کتاب الاحسان

در کتاب الاحسان که در حدیث آمده است که هر کس که با زن خود خوب باشد...

در کتاب الاحسان

در کتاب الاحسان که در حدیث آمده است که هر کس که با زن خود خوب باشد...

در کتاب الاحسان که در حدیث آمده است که هر کس که با زن خود خوب باشد...

در کتاب الاحسان که در حدیث آمده است که هر کس که با زن خود خوب باشد...

در کتاب الاحسان که در حدیث آمده است که هر کس که با زن خود خوب باشد...

و عظام ششندان
 حن انزال از
 جو زینت چون
 قنبره ای در
 درون آن در
 کاشی بجز در
 درون آن در
 درون آن در
 درون آن در

بدان اسدک شد تعالی اینجه که گفته شد صورت ایمان اسلام
 و شریعت است مقرر و حقیقت او در خدمت درویشان باید
 و خیال نباید کرد که حقیقت خلاف شریعت است که این سخن
 جهل و کفر است بلکه همین شریعت است که در خدمت درویشان
 چون قلب از تعلق علمی و حبی که با سوسی الله داشت پاک
 و زایل نفس بر طرف گشته نفس مطمئنه شود و اخلاص بهم رساند
 شریعت در حق او با سفر شود نماز و عن الله تعلق دیگر بهر سانه
 او بهتر از لک کت و گیران باشد و همچنین صوم او و صدقه او
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اگر شما مثل احد زور در راه خدا خرج
 کنید پیرایه یک پیر یا نیم پیر چو نباشد که صحابه در راه خدا داده اند
 از جهت قوت ایمان اخلاص شان است نور باطن پیغمبر صلی الله
 علیه و سلم را رسیدند درویشان باید حجت بدان نور سینه خود را روشن
 باید کرد تا هم خیر و شر بفراست صحیح دریافت شود ولی در قرآن متقی را

منه انقضاء است باری
 حجت و آن است که
 است و در آن کلام
 است که در آن کلام
 را با آن کلام
 حجت و آن است که
 بیانی از آن کلام
 تا به آن کلام
 از پیغمبران و ائمه
 باطن خود را

۱۳۸

در آن کلام
 تا به آن کلام
 از پیغمبران و ائمه
 باطن خود را
 در آن کلام
 تا به آن کلام
 از پیغمبران و ائمه
 باطن خود را

و عظام ششندان
 حن انزال از
 جو زینت چون
 قنبره ای در
 درون آن در
 درون آن در
 درون آن در

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

فرموده و در حدیث علامت او یار الله فرموده که در صحبت او
خدا یاد آید یعنی صحبت دنیا در صحبت او کم شود و صحبت حق زیاد
گردد و الله اعلم و کسی که متقی نباشد اولی نباشد

ای بسا ابلیس آدم روی هست
پس بهر دوستی نشاید دادوست

حضرت عزیزان علی را مبتنی قدس ستمی فرمایند رباعی

باهر که شستی و نشجع و لست
وز تو ز میر صحبت آب گلست

ز هزار صحبتش گریزان مباش
ورنه نکند روح عزیزان بگشت

ترجمه باب کلمات لکھنؤ و فتاویٰ برمانی

در دستور القضاات از فتاویٰ خلاصه آورده که در مسئله اگر چند وجه
کفر باشد و یک وجه کفر نباشد فتویٰ بکفر نباید داد فقیر گوید لیکن باید
خود از اندیشه یک وجه کفر احراز نماید مسئله از سبب شیخین کافر شود
نه از تفصیل علی رضی الله عنه بر آنکه بدعت است مسئله از محال زنتن

در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

کتاب فقه
در بیان فقه
کتاب فقه
در بیان فقه

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

اگر میخواهی میگویشاد و با آنکه پشادی باشد دست ابو بکر طرخان گشتند کافر شود
مسئله اگر زنی گوید لعنت بر شوی و انشئد باد کافر شود مسئله اگر کسی گفت تا
حرام یام گرد و حلال چرا گردم کافر نشود مسئله اگر کسی در بیجاری گفت اگر خواهی
مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمیران کافر شود مسئله در فتاوی سراجی
آورده که اگر گفت که روزی بر من فراخ کن یا بر من ظلم کن ابو نصر در کفر و توفیق
آورده و ظاهر است که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله شخصی از آن میگوید دیگری گفت
دروغ گفتی کافر نشود مسئله اگر کسی بگوید یا علی علیه السلام را عیب کرد یا عوی مبارکش را عیب گفت کافر نشود
مسئله اگر کسی با و شاه ظالم را عادل گوید یا امام ابو منصور را تریبی گفته کافر شود و امام ابو القاسم گفته
کافر نشود چرا که البته گاهی عدل کرده باشد مسئله در حادیه و سراجی گفته اگر کسی
اعتقاد کند که خراج و غیره خزانه پادشاهی ملک با و شاه است کافر نشود مسئله در سراجی
گفته اگر کسی گفت که تو ظلم غیب واری گفت دارم کافر نشود مسئله اگر کسی گفت
که اگر خدا مرا بے خود برهشت برو خواجه رفعت اصح است که کافر نشود مسئله اگر کسی
گفت من مسلمان دیگرے گفت لعنت بر تو و بر مسلمانانی تو کافر نشود و در جامع الفتاوی
آورده اظهر است که کافر نشود و در سراجی گفته اگر کسی گوید که اگر فرشتگان یا پیران
گوایی و هند که ترا سیم نیست با و زندام کافر نشود مسئله اگر شخصی دیگر را گفت اے کافر
او گفت اگر این چنین بنی بودم با تو صحبت نداشتم بعضے گویند کافر نشود و بعضے گویند نه
مسئله اگر کسی گوید کافر شدن به که با تو بودن کافر نشود چرا که مراد او دوری حین است
مسئله اگر شخصی دیگر را گفت که نماز کن او جواب داد که تو چندین نماز کردی چه بر سر
آوردی یا چندین گاه نماز کردم چه بر سر آوردم کافر نشود مسئله اگر کسی دیگرے گفت

[illegible][illegible]

(Handwritten Persian script)

که بخود با جماع جائز نیست و خدمت کردن بوضع دیگر از استخوان پیش او یا دست
بوسیدن یا پشت خم کردن جائز است مسلمة هر دو چندان کند بنام بتان یا بر چاهها یا
بر رویا یا بر بنرها و خانهها چشمه یا مانند آن پس فحش کننده مشرک است و زن
که از فحش چارست و ندو و حر و ارست مسلمة در دستور القضاة از امام زاهدان و دیگر
انقل کرده که هر که در روز عید کافران چنانچه نوروز محوس و همچنین در دوا و دی و سه
کفار پندیراید و با کافران موافقت کند در بازی کافر شود مسلمة ایمان یا پشت قبول
نیست و توبه یا پس اصح آنست که مقبول است مسلمة در شرح مقاصد گفته که هر که صد
عالم یا حشر اجساد یا علم بجز نبیات و مانند آن را که از ضروریات دین است انکار
کند با اتفاق کافر شود و اگر در مسائل عقائد که روافضی خوارج و معتزله و غیره
فرقیابی مدعی اسلام در آن خلاف دارند برخلاف اهل سنت اعتقاد کنند در کافر
گفتن او علما اختلاف دارند و فتوی از ابی حنیفه و مرویست که کسی را از اهل قبله کافر
نمی گویم و ابو اسحق اسفرانی گفته که هر که اهل سنت را کافر داند او را کافر میدانم و هر که
نداند او را کافر ندانم مسلمة علامه علم الهدی در بحر الحیط گفته که هر ملعون که در جناب
پاک سرور کائنات صلی الله علیه و سلم دشنام دهد یا امانت کند یا در امری از امور دین
و یا در صورت مبارک او یا در صفی از اوصاف شریفه او عیب کند خواه مسلمان بود
یا ذمی یا حربی اگر چه از او بیزل کرده باشند آن کافرست و واجب انقل توبه او مقبول
نیست و اجماع امت بر آنست که بے ادبی و تحقاف بر کس از انبیاء کفر است خواه
احمال و حلال داشته متکلب شود یا حرام داشته مسلمة آنچه روافض میگویند که
سبغیر صلی الله علیه و سلم از خوف دشمنان بعضی احکام الهی را تبلیغ نکرده کفر است

[illegible]

شرط است که در وقت نماز چنان باشد که اگر با یکا له مختلط شود متینر ممکن نباشد **مسئله** جائز نیست قربانی
 کو چشم و یک چشم و لنگ که تا پنج نیتوان رفت و گوش بریده و دم و بے دم و بے گوش و مجنون که
 کاغذ خور و خارشتی و غشی و لاعلم و محض و اکثر گوش یا دم بریده و اکثر کو چشم را نل شده و آنکه دندان ندارد و
 ازین سبب کاغذ نیتوان خورد و آنکه سر پائش قطوع یا خشک شده یا بخمال قوت باستمال او و به شیر
 او مشقوق کرده باشد و آنکه سولے ناپاکی چیزے دیگر خورد **مسئله** قربانی غشی و شام شکسته و آنکه بغیر شام
 است و مجنون که کاغذ خورد و خارشتی فریه و آنکه دندان ندارد یعنی گم کاغذ نیتواند خورد و آنکه اکثر زنا نش باقی است و
 آنکه گوش یا دم باقی و آنکه حاضر ندارد و اگر فتن می تواند و آنکه خلقی گوش خورد و دارد جائز است **مسئله** در تقدیر اکثر از
 امام عظم در روایات مختلف است در روایت جامع صغیر ثالث اقل است و زیاده ازان اکثر و در بعض کتب
 سایر مع و نزد صاحبین در اگر زیاده از نصف باقی باشد اکثر است و همین است مختار فقیه ابو اللیث **مسئله**
 اگر خرید کند غنی کو سفید بے را و بخریش عیب پیدا کند پس واجب است دیگر و فقیر را جائز است اول **مسئله** اگر
 حصه احد بے کم از حصه سبع باشد از پنجکس قربانی جائز نیست **مسئله** اگر دو کس یک گا و یا المنا حصه خبریده
 قربانی کنند جائز است بروایت صحیح و تیسیم نمایند گوشت را بوزن نه به تخمین مگر آنکه با گوشت چیزے از کله و
 پانچ پوست باشد **مسئله** اگر گا وے را برے قربانی مردم دوسه خانه که علیحدہ اند و از هفت زیاده نباشند
 خبریده پنج سازند جائز است و نزد امام مالک در اراهل یک خانه جائز است گو زیاده از هفت باشند و اراهل و خانه
 جائز نیست اگر چه کمتر ازان باشند **مسئله** اگر خریدند دو کس شترے را و یکے ازان صرف طالب گوشت است
 پس قربانی آن جائز نیست **مسئله** اگر زید مثلاً خرید کرد گا وے را بنابر اضحیه و بعدش شش کس و دیگر را
 شریک ساخت مکره است **مسئله** اگر از جمله شکر یک کس نصرانی باشد پس از جمله قربانی جائز نباشد **مسئله**
 اگر اضحیه غنی بمیسر و واجب است دیگر و بر فقیر نه و اگر گم شود یا بدزدی رود پس از خرید و دیگر یافته شود و را بام اضحیه پس
 غنی مختار است هر یکے را که خواهد پنج سازد و فقیر هر دو را پنج نماید **مسئله** اگر اضحیه وقت پنج عیب دار شده که بحیث و لغور
 گرفتار شدند پس قربانی آن جائز است نزد ابی حنیفه و نزد امام محمد اگر بد رنگ هم گرفتار گردد و جائز است و اگر
 غلطانیده شد گوشتند بے بنابر پنج و اضطراب کرد تا اینکه پایش بشکست پس قربانی آن جائز است **مسئله** اگر شکر کار
 خرید کرد و هفت کس گا وے از آنجمله چهار کس به نیت قربانی دست کس بقصد تطوع پس جائز است اتفاقاً **مسئله**
 اول وقت پنج برائے شهریان بعد نماز عید است و برای اهل قریه طلوع فجر یوم عید و وقت آخر قبل غروب آفتاب
 روز سوم است و نزد شافعی تا سیزدهم نیز جائز است پس اهل شهر را لاریب قبل نماز امام قربانی جائزند و اهل قریه

دقت قربانی
 بسم الله الرحمن الرحیم
 انما جائز نیست
 ظاهر و حق
 قربانی زاید

نیت قربانی
 در سوره
 یا جامع
 یا جامع

مسئله اگر خرید نمودند بهفت کس گاوسه را بنا بر قربانی و مرکبیکه از آنها قبل قربانی و ازانان میت اجازت دادند جائز است والا لا تذروا بی یوسف در بروایتی جائزند و اگر از طرف خود یا وارث میت و اتم و لیه آن فوج سازند جائز است **تثنی** براسه فقر و غنا و ولادت و موت آخر وقت معتبر است پس اگر شخصی اول وقت فقیر بود و آخر وقت غنی شد بر واجب واجب است و اگر آخر وقت فقیر شد و اول وقت غنی بود و بسبب آدانه نمود واجب نیست و اگر پدیدار شد آخر وقت واجب است و چون بسبب رو واجب نه مسئله اگر کسی فوج کرد و انجیه و بعد از آن ظاهر شد که امام نماز عید بلا طهارت خوانده است اعاده نماز لازم است نه قربانی مسئله اگر قبل خطبه بعد نماز پنج گانه کنند جائز است الا ترک افضل لازم آید * مسئله اگر نماز عید بوجی نماز عید خوانده نشود پس شهریان را بر وز دوم و سوم قبل از نماز پنج قربانی جائز است مسئله اگر امام در روز عید تاخیر نماید پس شرا و است که تا وقت زوال در فوج سهم تاخیر نماید مسئله اگر در شهر به سبب فتنه و نبودن والی نماز عید نشود پس جائز است انجیه بعد طلوع فجر و علیه الفتوی مسئله اگر نماز عید گاه نشده باشد و اصل مسجد فراغت کرده باشند یا بالعکس قربانی روا باشد قربانی کننده در نماز شریک شده باشد یا نه مسئله اگر گواهی داده شود پیش امام بهلال عید و مطابق آن نماز خوانده شود و مردمان قربانی نمایند بعد از آن ظاهر شود که بوم عرفه بود پس اعاده نماز و انجیه لازم نیست **تثنی** معتبر در قربانی مکان اوست نه مکان مسجدی پس اگر قربانی در دیه باشد و قربانی کننده در صریح آن وقت صبح جائز است و بالعکس آن جائز نه مسئله اگر شهری خواهد که پیش از نماز صبح فوج سازد پس حیل است که گو سفند قربانی را بر دیون شهر فرستد تا بعد طلوع فجر فوج کرده شود و این صحیح است مسئله و افضل است ذنبه از میش و ماده براز بنزد اگر دقت و گوشت برابر باشند و گو سفند از حصه سبک گا و در صورتیکه مساوی باشد دقت بالاتفاق و نزو بعضی ماده شتر و ماده گا و نیز افضل است از آن **مسئله** قربانی کردن بر زوال افضل است و مکرر است در شبها و جائز نیست در شب نحر و آن شب اولی است زیرا که شب همیشه تابع روز گشته میباشد اتفاقا و اگر شک واقع شود بوم انجیه پس سبب است که تا بوم سوم تاخیر در قربانی ننمایند و قربانی کردن در این ایام افضل است از آنکه فوت کند آنرا درین ایام و تصدق نماید بهای آن بعد الا انقضاء مسئله اگر قربانی نکند شخصی حتی که بگذرد ایام آن پس اگر واجب کرده است بر خود و معتین کرده است گو سفند معین را مثلا پس واجب است که تصدق نماید نذر و اگر فقیر خرید نماید گو سفند بنا بر قربانی و نکند و وقت آن بگذرد پس چنین حکم نزد علماء بر حجت الله علیه و اگر غنی خرید نکرده است گو سفند و ایام انجیه بگذرد پس واجب است که تصدق کند بهای آنرا مسئله کسی فوج کرد و انجیه را از میت بلا اجازت او پس ثواب برای میت است و انجیه از مسجدی **تثنی** واجب نمیکرد و انجیه بجز دقت مگر آنکه نذر نماید یا به میت انجیه خرید نماید آن را غنی با اتفاق روایات آنرا فقیر پس بسته دین اختلاف است مختار این است که اگر خرید نماید به میت قربانی در آنها هم آن واجب میشود قربانی کردن آن اگر چه از زبان چیزی بفرستد اقرار نکرده باشد و علیه الفتوی و اگر نیت

مقتارن بشر را بشاید پس واجب نیست بالاتفاق مسئله اگر کسی قربانی کرد باذن نیست پس واقع میشود و جائز بود تناول گوشت آن و اگر بلاذن کرده است جائز مسئله اگر چاره نفر دو بهار شتر بلا شتر که قربانی نمایند جائز است مسئله اگر کسی گوشت خود را از غیر بلا امر او به نیت اضحیه ذبح نماید کفایت نکند از غیر مسئله افضل است که اضحیه خود را خود ذبح نماید اگر واقف باشد از طریق ذبح والا استتانت جوید از دیگر و خود حاضر باشد بر مکان ذبح مسئله مکره است ذبح نصرانی و یهودی و حرام است ذبیحه مجوسی و بت پرست و مرتد و مشیطیه از شرائط ذبح این است که صاحب نوحید باشد اعتقاد و تحویل اسلام دار و یا از روستای دعوی مثل اهل کتاب باشد و واقف باشد به تسبیح و ذبیحه یعنی بدانند که تسبیح حلال معیشت و قادر باشند به بریدن رگها و باشند یا زن صبی باشد یا مجنون اقلف باشد یا مختون و هر یک که می دانند تسبیح و ذبیحه را پس ذبیحه او حلال نیست و اهل کتاب ذمی باشد یا حربی اگر نام خدا و وقت ذبح بگیرد و نام حضرت عزیر و علی علیهما السلام بر زبان نیاورد جائز است ذبیحه و الا لا مسئله اگر قبل غلظانیدن اضحیه یا بعد ذبح بگوید اللهم تقبل من فلان جائز نیست آحاد و حالت ذبح مکره است زیرا که شتر با ذبح این است که صرف تسبیح گوید خالی از معنی و حاجتی که اگر بگوید وقت ذبح اللهم اغفر لی حلال میشود و اگر عطسه آید و گوید الحمد لله و اراده تسبیح کند صحیح نیست بروایت صح و اگر بجای بسم الله الحمد لله سبحان الله گوید و اراده تسبیح کند صحیح است و آنچه مشهور است که میگویند بسم الله و الله اکبر منقول است از ابن عباس **تسبیح** موضع ذبح میان حلق و لب است و ذبح عبارتست از بریدن رگها که در جانب بالا سینه گلو و زیر فک است و رگهای که بریدن آن شرط است چهار اند اول حلقوم دوم مری که بفارسی آنرا سنج روده گویند و سوم و چهارم هر دو شتر رگ و این ثابته است بحديث و نزد شافعی اگر حلقوم و مری با کُل بریده شد حلال است و الا لا و نزد امام ابی حنیفه اکثر شتر رگ ازین هر چهار کدام که بریده شد حلال است و نزد امام محمد اکثر هر رگ بریده شود و شتر عبارتست از بریدن رگها که پایین گلو و نزدیک سینه شتر واقع است و ذبح ده گاو و گوسفند مستحب است و شتر و شتر مکره است شتر دران هر دو ذبح در شتر مسئله اگر قصد تسبیح در ذبح ترک کند ذبیحه حرام است و اگر سهوا ترک شود حلال است و نزد امام شافعی در هر دو صورت حلال است و نزد امام مالک در هر دو صورت حرام و مسلمان و اهل کتاب و ترک تسبیح برابرند مسئله اگر دو کس غلطی کنند باین طور که یکی قربانی دیگر را ذبح نماید جائز است و ادا میشود از هر دو و بر هیچکس تاوان لازم نیاید بلکه خواهد گرفت هر کس اضحیه خود را نزد علمائی یا رحمت الله علیهم مسئله اگر بعد ذبح یکی گوشت قربانی دیگر را بخورد و بعدش واضح گرد پس لائق است که حلال گرداند یکی مرد دیگر را و اگر نزاع و خصومت نماید پس تاوان قیمت گوشت بگیرند و تصدیق نمایند و این حکم است اگر تلف کند گوشت قربانی دیگر را مسئله اگر کسی اضحیه خود را با عانت و دیگر ذبح نماید پس واجب است

نهی برین و زانی و اگر یکی از ان هم ترک نماید حرام گردد که فی الدر المختار و خزائن المفاتیح مسئله اگر کسی امر کند دیگر را
برای فح و او فح کند و ظاهر نماید که من تنبیہ عیال ترک کرده ام پس قیمت اضحیه بر ما مور لازم آید اگر ایام خربانی باشد
و دیگر خرید فح کند و تصدق نماید و هیچ ادکوش آن نخورد و اگر ایام خربانی نباشد قیمتش بقصد فح بخر نماید
مسئله اگر بچه زاید اضحیه قبل فح پس فح کرده شود و نزد بعضی بلافح تصدق کرده شود و مکره است فح شاة
حاله که قریب الولادة است و اگر جنین مرده یافته شود شکم اضحیه پس حلال نیست بود داشته باشد یا نه زندام
ابن حلیفه و زو صاحبین و شافعی اگر تمام شده باشد خلقت آن حلال است مسئله اگر غضب کند کسی که سفید
را و قربانی نماید از نفس خود جائز نیست و ضمان قیمتش لازم و بچین است حکم مرهونه و مشترک و اگر امانت سپرد کسی
که سفید را پس فح کند آنرا امانت دار کافی نیست و بچین است حکم عاریت مسئله مثلاً زید خرید کرد که سفید
را از عمر و فح کرد آنرا بعد از ان سختی آن ظاهر شد بکس اگر بکرا جائز است به بیع آن بد بد جائز شد و الا مسئله
اگر خرید بود ندیده کسی سکه کش سیکه ازان بقیعت ده دم و دوم بقیعت بیست دم و سوم بقیعت سستی دم بعد از ان چنان
اختلاف واقع شد که کسی از انها اضحیه خوراش تا ختن نمیتواند لپها با هم بخیزد کرده یک یک که سفید قربانی کرد پس سقوا
این قربانی و لازم است که مالک سستی دم به بیست دم و مالک بیست دم به ده دم تصدق نماید و مالک ده دم به بیع
تصدق نماید و اگر جائز و او یکی از انها بصاحب خود پس کفایت کند و بیع لازم نه مسئله اگر فح کند کسی
بناخن و دندان و شافعی که الموضع خود با برکنده باشد مکره است الا خوردن آن مضائق ندارد و نزد شافعی حرام
است و بناخن غیر منزع حرام است بالاتفاق زیرا که حکم منقطع دارد مسئله جائز است فح به پوست سگ و سنگ
تیر و هر چیز که تیر باشد و هر دو رگها و جاری کند خون مسئله مستحب است که زایج اولاد نیز کند کار خود را و مکره است
جای کردن سر و رسانیدن کار و زنا حرام مغر و مکره است آنکه بگیرد پائے که سفید را و بکشد آنرا تا موضع فح و آن که
بشکند گردن و بچه را یا بکشد پوست آنرا پیش از آنکه از اضطراب سنا کن شود و مکره است فح از قفا بلکه اگر ببرد
که سفید پیش از بریدن رگها حرام است تنبیہ کلیه این است که هر چیز که در ان الم و لغزب است و بان جفا
نیست در باب فح مکره است مسئله هر جائز که که مانوس است از انسان دم نمیکند پس طریق فح آن
بریدن رگهاست نه کورت و هر جائز که وحشت دارد از انسان دم و گریز میکند پس طریق فح آن این است که
پائے زند آنرا و زخمی کند و مر دیت از امام محمد که اگر که سفید دم کند بصحرا پس فح اضطراری آن جائز است و اگر رم
کند میان شهر پس جائز نیست فح اضطراری و در گا و شتر صحرا و شهر هر دو برابر است مسئله مکره است سوا شدن
بر شتر قربانی را جاره دادن آن و دو شیدن شیر آن و بریدن پشم آن بنا بر اشتغال مسئله جائز است صاحب
قربانی را که بخورد گوشت و ذخیره کند یا بخورد هر کسی را که خواهد غنی باشد یا فقیر و مستحب است که صدقه از ثلث کم نمکند

اگر کسی صاحب عیال باشد مسکلمه جائز است که بقصد تنگدستی قربانی را یا جراب و غزال و مشک و غیره چیز دیگر
 بکارخانه داری و در بپایار سازد یا تبدیل کند به چیزی که بذات آن بلا است هلاک آن انتفاع ممکن باشد مثل پارچه و نموده
 و غیره نه سرکه و آرد و مصالح گوشت و غیره که از اشیا مستهلکه است و این است حکم گوشت اضحیه مسکلمه جائز نیست
 فروختن گوشت و پوست اضحیه به راهم و توانیر زیرا که این گونه تصرف بقصد قبول میباشد و آن در مال و وقت جائز نیست
 مسکلمه اگر قربانی کرده شود از مال صبی پس بخور و از آن صغیر و ذخیره کرده شود گوشت بقدر حاجت او و از مال صبی یا چوب
 و نموده و غیره تبدیل کرده شود نه با شیان مستهلکه همچو آرد و سرکه و شیرینی مسکلمه اگر بفروشد کسی گوشت یا پوست
 اضحیه را به راهم یا تبدیل کند از سرکه و غیره پس واجب است که تصدق کند قیمت آن را مسکلمه جائز نیست که چیزی
 از اضحیه با جرت نقاب داده شود و چنانچه در عوام رواج است که پوست قربانی را بقضای عوض اجرت او میدهند
 و چنانچه در مسائل اضحیه از جمله مالایه سنها بود و جناب قاضی ثنائی الله صاحب قدس سره معلوم نمیشود که
 کدام سبب در رساله مالایه سنها بیان نموده اند فقیر من بن حسین بن محمد العلوی الحنفی که از تلامذه مولانا محمد حسن علی
 هاشمی است در راه محرم الحرام ساله هجری بطور تکلیف نوشته شایسته رساله مالایه سنها نمود

اللهم اغفر لمؤلفه ولقاریه ولمن دل علی ذلک ولمن نظرفیه واشهد ان لا اله الا الله وحده
 لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وعلی آله واصحابه واذواجه اجمعین

استفتاء در احکام عقیقه و غیره

از حضرت مولانا شاه محمد اسحاق محدث دهلوی رحمته الله علیه
 بسم الله الرحمن الرحیم حاکمدا و مضلیا و مسلما

سوال چه سفیه این علمای دین و مفتیان شرع متین اندرین مسائل مفصله ذیل بنویسند و جواب مسکلمه وقت
 تولد طفل که در هر دو گوش می اذان و اقامت میدهند واجب است یا سنت یا استحباب و اگر نداشتن مجبیا اجنه در دست
 است یا نه جواب استحباب اذان و اقامت در هر دو گوش قبول و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ثابت
 است زیرا که در صحیح ترمذی و سنن ابوداؤد و ابورافع رضی الله عنه آمده که گفت دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 که اذان داد در گوش حسن بن علی رضی الله عنه وقتیکه زاده او را قاطعه رضی الله عنها و در مفتاح النجاه تصریح آورده که
 هرگاه پیدایش بچه از حسین رضی الله عنه اذان داد بنی صلی الله علیه و آله و سلم در گوش راست و سکه و اقامت

جواب علمائے حقیقہ باستحباب حقیقہ رفتہ اندوگفتہ اند کہ اگر حقیقہ مولود روز ہفتہ نہ ہو

روز چہارم یا یکم یا اگر آٹھ روزم نشو و بروز بست و یکم از روز تولد کنند و اگر سبب تنگدستی
 و افلاس آن روزم نشو و فرض و واجب نیست کہ برائے آن بار فرض برگردن خود گیرد و موسے سر طفل را با
 نقرہ وزن کردہ بچماج وادن نیز مستحب است و دادن آن بجلایق در حساب آبرت وے خلاف امر تصدق
 و وزن کردن موسے سر آن مولود را بطلام برے کسانیکہ ذی مقدور و متمول اند جائز است و دفن کردن
 آن موہما در زمین مستحب است کہ ذاتی لطیفی شرح المشکوٰۃ پس باید کہ ہر کس بہ نیت استحباب این و بجمہ
 کہند قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم الْغُلَامُ مُسْرٌ لِّهِنَّ بِعَقِيقَتِهِ لَدُّنَّ جُرْعَةً عَنْهُ یُقَدَّرُ الشَّایِعُ وَکَسْبَتِی
 وَیُحْلَقُ رَاسُهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ وَابُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِیُّ وَدَرَعِیْقَةُ مَوْلُو دَاوِلِی وَافْضَلُ اسْتِ کہ برائے طفل
 مذکور بوزن برابر باشد یا وہ و اگر برے کفایت یک بزنج کشند نیز جائز است و برائے طفل انہی یک بزنج کنند
 و نرواد و در حکم حقیقہ برابر است و اگر بیش و بیش فوج کنند آہم جائز است و تقسیم آن بعد از فوج باین پنج مستحب
 است کہ سر آن و بچہ را بجلایق دہند و یک رات اورا بقابلہ بعد از آن گوشت آڑاسہ حصہ کنند خواہ پنجہیں خواہ
 یوزن پس یک حصہ را از انہا بفقرار و مساکین دہند و دو حصہ باقی برابرے خوردن اقارب و ہم سایہ تیار کردہ
 پیش شان ہند کما قال العلماء رَحِمَ اللّٰہُ الْعَقِیْقَۃَ حُكْمُ الْأَصْحَبِۃِ پس درین صورت خوردن گوشت آن مادر و پدر را
 جود و جہ را نیز جائز است و المشہور خلافہ فلا اصل لہ فی الشریعہ وَلَا تَکْسِرُ عِظًا مِّمَّا تَقُوْا لِاٰوِاٰنِ کَیْسَ ث
 فَلَا بَاسَ بِہٖ اِنَّ الْأَصْحَبِۃَ تَکْسِرُ عِظًا مِّمَّا کَانَ فِی کَتَبِ الْفِقْہِ و دفن کردن اجزای حقیقہ در زمین
 جائز نیست لِاَنَّکُمْ اَضَاعَۃُ الْمَالِ وَہِیَ لَا تُجْزِی عَنْ اَہْلِ الشَّرْعِ بِاَہَا سَے حقیقہ را اگر تمام سروانند
 بجلایق دہند و الا در استعمال خود و دارند و پوست اورا بعد از باغت در استعمال جلد کتاب در آرد یا تصدق
 نمایند و ہا یکہ در کتب فقہ مرقوم است و وقت ذبح بیخوانند این است اللّٰہُمَّ اِنَّ هٰذِہٖ حَقِیْقَۃُ ابْنِی
 فَلَا دِیْنَ لَہٗ فَاِیْدِیْہٖ وَکُفَّہٗا بِجُکَہٗ وَعَظْمَہٗا بِالْعِظَہٗ وَجِلْدَہٗا بِجِلْدِہٖ وَشَعْرَہٗا بِشَعْرِہٖمُ اللّٰہُمَّ
 کُفِّلْہَا مَتِّیْ وَاجْعَلْہَا فِدَیْ اِبْنِیْ مِنَ السَّارِ

این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز

این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز
 این خبر آدمی آن را با ضرر قبول کن این را در سن و روز آن ببرد و در آن روز

یعنی غیر ازین مثل این گناهی نیست و دیگر از فضل کج کرد بر کس دین و دنیا مفید است آنست که از اتباع خود زن و فرزند و کرم و خادم و بنده
و رعیت با هر یک چنان معاشرت باید کرد که آنها را رضی باشند و دوست دارند و از کثرت اخلاق و غمخواری و عدم تکلیف الاطاعت
و رعایتها بجان گروید و باشند مگر آنکه بعضی از آنها از حد بیکدیگر اگر ناخوش باشند آن مستعبریت و متبوعان خود را از ادب فرمان
بردارای و خدمت گزاری راضی دارند مگر در آنچه به بصیرت امر کنند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم لا طاعة الا للخالق فی حق صیغته
الخالق و باقران خود را از قرار برادران و دوستان و همسایگان با خلاص و محبت و غمخواری و تواضع باشند دنیا جا
سهل است برای معاملات و نبوی با هم تقاطع نکنند هیچ خانه بر اندیشه مگر وقتیکه با هم منازعت و خصامت کردند و از کسانیکه
اندیشه دشمنی باشد آنها را با حسان و نکوئی شرمزنده و سرنگون باید کرد بهمت آسایش و گوشتی نفسیر این و در حق است با و در ستا
طقت با دشمنان و ارجه قال الله تعالی اذ فخر بالکفی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عد اوکة کانه فی حقیم
و ما یلقه الا الذین صابروا و ما یلقه الا الذین و خط عظیم و اما لکن عذک من الشیطان نزع فاستعد
بالله انه هو السميع العليم یعنی دفع بدی کنج خصلتی که نیکوتر است یعنی بدی دشمنان به نیکوئی کردن آنها از خود دفع کن
پس ناگاه خصمیکه در میان تو و او دشمنی است دوست و محب خواهد شد و می کشد این چنین مگر کسانیکه صبری کنند و مگر کسانیکه
صاحب نصیب بزرگ اند و اگر دوسو سه شیطان تر از دین کار نامع شود از عود بخوان پناه جو بخدا بر شسته که خدا سمیع و علیم است این حکم
در حق کسی است که با وی برای دنیا دشمنی و با خوشی باشد اما کسی که خالصا لله بادی دشمنی باشد مثل رافض و خوارج و مانند آن
از آنها موافقت نکند تا که از عقائد فاسده توبه نکند اگر چه پدیدار باشد قال الله تعالی یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا
عدوی و عدوکم و اولیاء الی قوله لکن تتفکروا احباکم کمو لا و اولادکم کمو فی م الیقینة یفصل بینکم
در خاندان فقیر همیشه علما رفته آمده اند که در عصر متاخر بودند از فرزندان فقیر احمد القدر این دولت بهم رسانیده بود و خدایش
بیا فرود حلت کرد و دلیل الله و صفوة الله را بر چیز خواستم در تفصیل این دولت بن نداده است ^{که در زندگان بود} و این قدر عبارت
فتاوی که فقیه اند اعتبار ندارد و باید که خودم درین امر اگر توانم کوشش کند و فرزندان خود را سعی کنند که این دولت از اوال کتب
نمایند که هم در دنیا و هم در عقبی مثر بر کات است علم عبارت است از دستن حن و فنی عقائد و اخلاق و احوال و اعمال که علم
عقائد و علم اخلاق و علم فقه متکفل است و این علم بدون دریافتن او که از قرآن و حدیث و تفسیر و شرح احادیث و اصول فقه
و دریافتن اقوال و صحابه و تابعین خصوصاً از اربعه رحیم الله و لعن و صرف و نحو صورت نمی بندد و در اکثر فتاوی بعضی روایات
بے اصل نوشته اند دریافت حال صحیح و تقیم مسائل بدون این همه علوم نمی شود و درین علوم سعی باید کرد و خواندن حکمت و فلسفه
لاشئ محض است کمال دران مثل کمال مطربان است در علم موسیقی که موسیقی هم فنی است از فنون حکمت ریاضی - مگر منطق که
فادیم همه علوم است خواندن آن البسته مفید است